قرأ

ورتل القرآن ترتیلا

تَجُوید قرآن کریم

Tajwíd Qura´n Karím

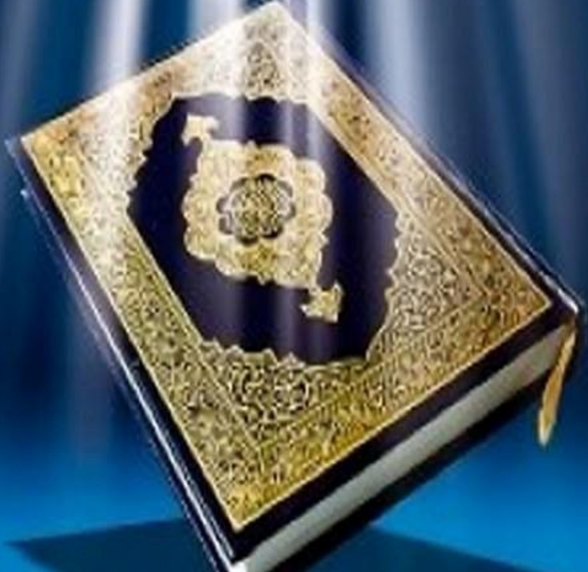

تحقیق، تتبع و نگارش:
برهان الدین " سعیدی "

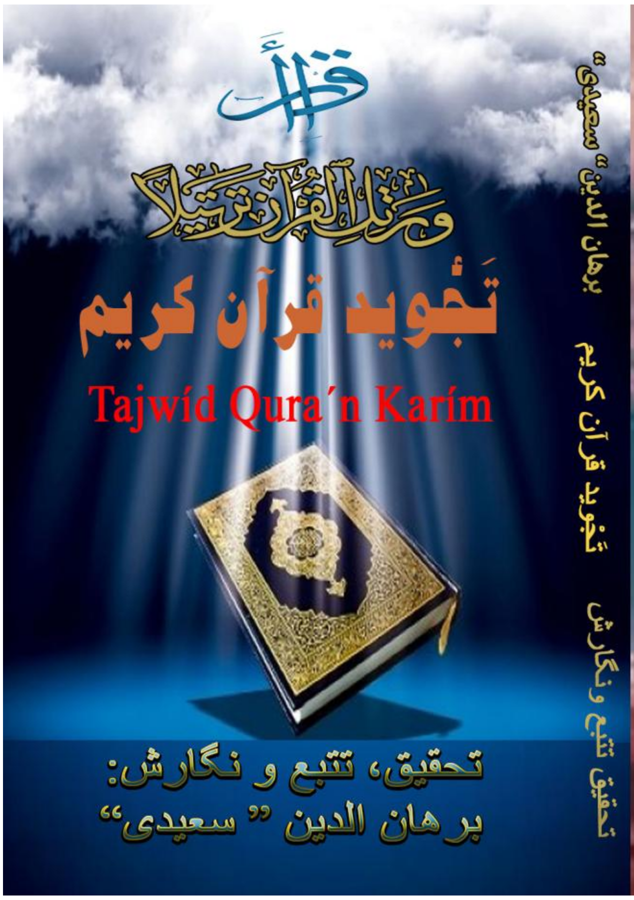

بیان مختصر در مورد مؤلف

برهان الدین « سعیدی » فرزند مولانا داکتر محمد سعید « سعید افغاني » در سال « ۱۹٦۲م.» در شهر کابل ، در یک فامیل روحانی و فرهنگی چشم به جهان گشوده است.
برهان الدین « سعیدی» مدیر مسؤول ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغاني و عضوی شورای علمی مرکز مطالعات استراتیژیک افغان است.

برهان الدین « سعیدی» در رابطه به « کتاب الله ، احادیث، فقه، تَجْوید، تصوف و عرفان » تحقیق، پژوهش، تتبع و نگارش انجام داده که در این عرصه چندین « مضامین ، مقالات وتحقیقات » شان به شمول دو رساله تحت عنوان: صوفی کیست؟ و گنجینه ها « مناجات » به زیور چاپ رسیده اند.
تحقیق دیگر موصوف رساله بنام « تَجْوید قرآن الکریم » است که به زبان ساده وعام فهم تتبع و نگارش یافته است، که اینک در اختیار شما قرار دارد.
بدینوسیله از خدمات خیرخواهانه، علمی واسلامی، محترم برهان الدین « سعیدی » ستایش و تقدیر مینمایم و از بارگاه رب العزت، برایش صحت ، طول عمر توام با سعادت و خیر و برکت استدعا داریم.

شورای علمی مرکز مطالعات استراتیژیک افغان

Tajwíd Qura'n Karím
By: Burhanoddin Saidi

تَجْوید قرآن کریم

Tajwíd Qura´n Karím

تحقیق، تتبع و نـگارش:
برهان الدین « سعیدی »

Burhanoddin "Saidi"

مشخصات رساله:

ـ نام : تَجْوید قرآن کریم
ـ تحقیق، تتبع و نگارش: برهان الدین « سعیدي »
ـ مهتمم: محمد عمر « انوری »
ـ ناشر: ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغاني
ـ سال چاپ: حوت ۱۳۹۹ هجري شمسي مطابق « فبروری ۲۰۲۱ میلادی »
ـ تیراژ: یکهزار جلد
ـ محل چاپ: کابل ـ افغانستان

یادداشت: استفاده از مطالب این رساله ؛ با تذکر کامل نام و مأخذ ، آزاد است.

b-saidi@gmx.de

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

آموزش و تلاوت قرآن عظیم ألشأن و خاصتاً تعقل، تفکر، تدبّر، عمل حسنه و صالح به آن؛ باعث تهذیب نفس، تربیت معنوی، تقویت ایمان، انوار الهی ، سعادت و رستگاری دنیا و آخرت در متقیان میگردد.

برهان الدین « سعیدی »

تَجْوید چیست؟

علم تَجْوید یعنی « فن ترتیل »؛ در لغت بمعنی « تحسین ، نیک ساختن و یا نیکو گردانیدن » است

و در اصطلاح علمیست که از رعایت حق و مستحق حروف بحث میکند و هدف آن صحیح و درست أداء کردن هر حرف از مخرج با رعایت آداب و صفات آن به اساس قواعد و ضوابط و بشکل ترتیل « با دقت، با تامّل و با آهسته گی » میباشد.

Gewidmet an meinen Vater

In Namen Gottes, das Allerbarmers, des Allbarmherzigen.

Diese Abhandlung " Tajwíd Qura´n Karím", ist ein Regelwerk für die korrekte Aussprache der Buchstaben mit all ihren Eigenschaften und die Anwendung der verschiedenen Rezitationen. Wenn Sie den Koran rezitieren, bedeutet dies, jedem Buchstaben des Korans seine Rechte und Eigenschaften zuzuweisen und die Regeln zu beachten, die für diese Buchstaben in verschiedenen Situationen gelten. Wir tun dies, indem wir die Merkmale jedes Buchstaben beachten, die manchmal bei ihnen vorhanden sind und zu anderen Zeiten nicht.
Dieses Buch " Tajwíd Qura´n Karím" Widme ich der reinen Seele meines verstorbenen Vaters

Maulana Dr. Mohammad Said "Said Afghani"

der Lehrer, Professor, Forscher, Schriftsteller, Jurist und Kämpfer für den Frieden und die Freiheit war. Er forderte die Menschen zur Gewaltlosigkeit, Güte und Glück auf und schrieb 37 Bücher und mehr als 2000 Titel über Frieden, Freiheit und Demokratie, sowie literarische, soziale und politische Themen.

Dr. Said Afghani ist am 25. Februar 1985, im Alter von 63 Jahren, in Kabul Afghanistan gestorben.

Möge der stetig schenkende und Barmherzige subhana wa ta alla meinen Vater Dr. Said Afghani, mit seiner Barmherzigkeit überschütten und ihm den schönsten Platz im Paradies (Fridaus) geben.

Amen, der Allmächtige

Burhanoddin "Saidi"

b-saidi@gmx.de
Februar 2021 - Garmany

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

اهـــداء

رسالهٔ تَجْوید قرآن کریم؛ را بمناسبت سی و ششمین سالگرد وفات
پدر بزرگوارم

مرحوم مولانا دوکتور محمد سعید « سعید افغاني »

مدرس، استاد، محقق، نویسنده، حقوق دان و مبارز راه صلح و آرامش، عدم تشدد و خیر و سعادت بشریت؛ اهداء مینمایم.

مـولوی سعید افغاني بعد از فراغت از مدرسه عالی دارالعلوم عربی کابل ، به صفت استاد درهمان مدرسه مقرر شد و متعاقباً به صفت مدیر و مدرس مـدرسه نجم المدارس ولایت ننگرهار موظف گردید .

مولوی سعید افغاني بعد از گذشت ده سال مدیریت در مـدرسه نجم المدارس ؛ به صفت معلم تفسیر لیسه عالی حبیبه شهرکابل تبدیل شد و بعداً جهت تحصیلات عالی به پوهنتون مشهور اسلامی جهان « جامعة الازهر شریف » کشورعربی مصر اعزام شد که در سال « ۱۳۴۷هـ ش » دوکتورای خویش را موفقانه بدست آورد و به وطن باز گشت.

مولانا سعید افغاني در جمع خدمات ارزشمند دینی ، اجتماعی و فرهنگی خویش؛ بیشتر از « سی و هفت» جلد کتاب و« دوهزار عنوان» مقاله و مضمون را به زبانـهای:« پشتو، دری و عربی » در بخش فلسفه ، تصوف و اجتماعیات نوشته و به جامعه تقدیم کرده است.

مولانا سعید افغانی بتأریخ « هفت حوت سال ۱۳۶۳هـ ش » مطابق « ۲۵ فبروری سال ۱۹۸۵م » به عمر شصت و سه « ۶۳ » سالگی، داعیه اجل را لبیک گفت و بعالم جاودانی پیوست.

جنازه مولانا سعید افغاني بتاریخ « هشت فبروری ۱۳۶۳ هجری شمسی » با اشتراک صدها تن « علما ، روحانیون، دانشمندان، بزرگان حکومت، مخلصین، شاگردان ، دوستان و اقارب » بعد از اداء نماز جنازه در مسجد جامع پل خشتی شهرکابل، در شهدای صالحین به خاک سپرده شد.

از بارگاه الله سبحانه و تعالی استدعا داریم تا با لطف و مرحمت خویش، بـرای ایشان رحمت بی پایان توام با جنت فردوس عنایت فرمایند.

آمین یا رب العالمین
بر هـان الدین « سعیدي »
فبروری ۲۰۲۱ میلادی

فهرست مطالب

شماره	عنوان	صفحه
۱	مقدمهٔ مؤلف	« ۱ ـ ۲ »
۲	تقریظ: محترم استاد پوهاند دوکتور اسرار الحی « منیت» رئیس پوهنځی شرعیات پوهنتون ننگرهار.	« ۳ »
۳	تقریظ: محترم استاد پوهاند داکتر سیداحمد « فاطمي » ؛ استاد شرعیات پوهنتون ننگرهار.	« ۴ »
۴	سپارښت لیک: پوهانوال داکتر محمد طاهر « عنایت » رئیس اسبق پوهنتون کابل.	« ۵ »
۵	تقریظ: محترم استاد غلام ربانی « ادیب » ؛ استاد پوهنتون تابش.	« ۶ »
۶	تقریظ : استاد قاری نصرت الله « صاحبي ».	« ۷ »
۷	فصل اول : .... ـ تَجْوید چیست؟ ـ ترتیل چیست ؟	« ۸ ـ ۹ »
۸	فصل دوم: .... ـ الفبای زبان عربی . ـ حروف شمسي و قمري.	« ۱۰ ـ ۱۱ »
۹	فصل سوم : .... ـ مخارج حروف. ـ تفصیل باب مخرج حروف.	« ۱۲ ـ ۱۵ »
۱۰	فصل چهارم: .... ـ دندانها.	« ۱۶ ـ ۱۷ »
۱۱	فصل پنجم: .... ـ صدای کوتاه و صدای کشیده. ـ حرکات یا صدای کوتاه « فَتْحَهْ، کَسْرَهْ و ضَمَّهْ ». ـ صدای کشیده « حروف مدی » « آ ـ آو ـ آي ».	« ۱۸ ـ ۲۱ »
۱۲	فصل ششم: .... ـ علامت « مدّ ».	« ۲۲ »
۱۳	فصل هفتم: .... ـ قوانین « الف وصل» و« همزهٔ وصل » در چهار حروف ناخوانا « والی ». ـ توضیح: قواعد برای خواندن « الف وصل » بدون حرف لام. ـ توضیح در رابطه همزه و الف	« ۲۳ ـ ۲۶ »
۱۴	فصل هشتم: .... ـ حروف حلقی. ـ توضیح در مورد حروف حلقی.	« ۲۷ »

شماره	عنوان	صفحه
۱۵	فصل نهم: .... ـ حروف قطب جد.	« ۲۸ »
۱۶	فصل دهم: .... ـ حروف یرملون.	« ۲۹ »
۱۷	فصل یازدهم: .... ـ وقف « توقف ». ـ علایم وقف.	« ۳۰ ـ ۳۱ »
۱۸	فصل دوازدهم: .... ـ علامت ساکن « سکون » .	« ۳۲ »
۱۹	فصل سیزدهم: .... ـ علامت تشدید « شدت و یا مشدد ». ـ توضیح در مورد تشدید.	« ۳۳ »
۲۰	فصل چهاردهم: .... ـ احکام « نون ساکن و تنوین ».	« ۳۴ ـ ۳۶ »
۲۱	فصل پانزدهم: .... ـ قاعدۀ اظهار. ـ توضیح در مورد قاعده اظهار.	« ۳۷ »
۲۲	فصل شانزدهم : .... ـ قاعدۀ ادغام. ـ توضیح در رابطه به قاعده ادغام.	« ۳۸ ـ ۳۹ »
۲۳	فصل هفده هم: .... ـ قاعدۀ اقلاب. ـ توضیح در رابطه به قاعده اقلاب.	« ۴۰ »
۲۴	فصل هژده هم: .... ـ قاعدۀ اِخفاء.	« ۴۱ »
۲۵	فصل نزدهم: .... ـ احکام « مْ » ساکن و مشدد با قاعده « اظهار ـ ادغام ـ اِخفاء ».	« ۴۲ ـ ۴۳ »
۲۶	فصل بیستم: .... ـ احکام حروف « راء ». ـ تفخیم « پر خواندن ». ـ ترقیق « نازک خواندن». ـ توضیح در رابطه به احکام حرف « راء ».	« ۴۴ ـ ۴۶ »
۲۷	فصل بیست و یکم: .... ـ احکام ـ ل « لام » در لفظ جلاله الله .	« ۴۷ »
۲۸	فصل بیست دوم: .... معلومات عمومی و تعریفات: « استعلاء ـ تفخیم ـ ترقیق ـ تکریر ـ ترسیل ـ رعایت حق ـ رخوت ـ شدت ـ صفیر ـ غُنّه ـ همس ـ و ... » .	« ۴۸ ـ ۴۹ »
۲۹	منابع و مأخذ های عمده	« ۵۰ »

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

مقدمهٔ مؤلف

علم تَجْوید یعنی « فن ترتیل» ؛ در لغت بمعنی « تحسین ، نیک ساختن و یا نیکو گردانیدن » است و در اصطلاح علمیست که از رعایت حق و مستحق حروف بحث میکند و هدف آن صحیح و درست أداء کردن هر حرف از مخرج با رعایت آداب و صفات آن به اساس قواعد و ضوابط و بشکل ترتیل « با دقت، با تامّل و با آهسته گی » میباشد.

چون آموزش و تلاوت قرآن عظیم ألشان و خاصتاً تعقل، تفکر، تدبّر و عمل حسنه و صالح به آن؛ باعث تهذیب نفس، تربیت معنوی، تقویت ایمان، انوار الهی ، سعادت و رستگاری دنیا و آخرت در متقیان میگردد.

بناً الله سبحانه و تعالی را شکر گزارم که با لطف و مرحمت خویش ، برایم صحت ، طول عمر و توفیق عنایت فرمودند تا بخاطر آموزش قرآن کریم وعلم تَجْوید؛ چندین جلد کتب « تَجْوید قران کریم » را مطالعه نمایم وهمچنان دروس انترنیتی « آموزش روخوانی قرآن کریم » را از استادان و بزرگان علم تجوید فرا گیرم .

قابل تذکر است که: تابستان سال « ۲۰۱۵ میلادی» به ملاقات برادر بزرگوارم داکتر مصباح الدین « سعیدی » رفتم. موصوف برعلاوه اینکه یک داکتر متخصص و مجرب امراض داخله است؛ در رابطه به « کتاب الله ، احادیث و غیره علوم دینی » فهم و دانش فرزانه دارد .
ایشان لطف نمودند پیرامون بعضی موضوعات علوم دینی وعلم تجوید، برایم توضیحات عالمانه ارائه فرمودند و همچنان بنابر تشویق شان و استناد با حدیث عبدالله بن عمر « رضی الله عنهما » که پیامبر بزرگوار اسلام صَلّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم میفرماید:

« بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً وَحَدِّثُوا عَنْ بَنِي » : « از سوی من پیام دین را به دیگران ابلاغ و نقل کنید ، حتی اگر یک آیه از قرآن کریم باشد » .

با اخلاصمندی و خلوص نیت ؛ خاص برای رضامندی الله سبحانه و تعالی ، نیت کردم تا بالای یادداشتهایم ، کار مجدد و دوامدار را آغاز نمایم . که اینک ثمره آن در قالب یک رساله کوچک بنام « تجوید قرآن کریم » تحقیق ، تتبع و نگارش یافته است.

باعرض ادب و احترام ؛ از تمام استادان محترم علم تَجْوید و علمای معظم ، خواهشمندم تا لطف نموده با بزرگواری خویش من را که در این علم ؛ نو سفرم و از جانب هم دانش فقیر دارم ، مورد عفو و بخشش قرار دهند و همچنان از حضور مبارک شان صمیمانه تقاضا مینمایم تا مهربانی فرمایند کمبودی و نقایص این رساله را با نظریات سازنده وعالمانه خویش برایم ارسال نمایند ، تا در چاپ بعدی مدنظر گرفته شود.

باید خاطر نشان سازم که از مساعدتها و رهنمایی های علمای معظم ، استادان محترم و بزرگواران و دوستان عزیز هریک : محترم استاد پوهاند داکتر طاهر « عنایت» رئیس سابق پوهنتون کابل ، محترم استاد پوهاند دوکتور اسرار الحی « منیت » رئیس پوهنځی شرعیات پوهنتون ننگرهار ، برادر بزرگوارم محترم داکتر صلاح الدین « سعیدی»، محترم استاد پوهاند داکتر سیداحمد « فاطمي » استاد پوهنځی شرعیات پوهنتون ننگرهار، محترم استاد غلام ربانی « ادیب » استاد پوهنتون تابش، محترم داکتر مصباح الدین « سعیدی»، محترم استاد نعمت الله جلیلی « کامه وال » ، محترم استاد قاری نصرت الله « صاحبی » ، محترم الحاج انجینر رفیع الدین « سعیدی » ، محترم معراج الدین « شمس » ، محترم محمد عمر« انوری » ، محترم الحاج عبدالحنان « نوس » ، محترمه ذکیه لامیه « سعیدی » ، محترمه محجوبه « احمدی » ، محترم احمد « سعیدی » ، محترمه فرشته « حسینی » و محترم یما « سعیدی» سپاس و قدردانی مینمایم .

همچنان از بارگاه ایزد متعال استدعا دارم تا با لطف و محبت خویش برای ایشان اجر جزیل توام با حسنات و خیرو برکت دارین ، عنایت فرمایند.

یا رب العالمین !

تو میدانی که نیت و اراده من آموزش و رسانیدن پیام بخاطر اگاهی عامه است !
پس یا الله ! با لطف و محبت خویش؛ صداقت، ایمانداری، محبت، اخلاص، عدل و انصاف را خاصه ام بگردان.

یا الله سبحانه و تعالی !

تو میدانی که جهالت و نادانی عیب بزرگ است.
پس یا رب ! از تو استدعا دارم تا دلم را از تیرگیهای جهل و جفا صاف و با نور علمت زنده و درخشان ساز.

یا ذات مقدس !

تو میدانی که گمراهی بلای خطر ناکی است.
پس یا رحمان ! با خلوص نیت از در گاه مقدست التماس دارم تا مرا به صراط المستقیم که راه صالحین، انعام شدگان ، سعاد ت و فلاح بشریت است، هدایت و رهنمائی فرما.

امین یارب العالمین

برهان الدین « سعیدی »

تقریظ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الحمد الله الذی اصطفی من عباده حملهٔ کتابه ، واثنی علیهم من فوق سماواته ، القائل فی کتابه :

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ ﴿ سوره فاطر ایه ۲۹ ﴾

والصلاهّ والسلام علی الحبیب المصطفی الذی کان خیر معلم للناس کافهّ ، و وضع و سام الشرف علی صدر کل من شغل بالقرآن تعلما و تعلیما . اما بعد :

د محترم برهان الدین « سعیدي » صیب رساله « تجوید قرآن کریم » ترعنوان لاندې لینکه مې ولوستله ، د قرآن کریم زده کړیالانو او لوستونکیو لپاره یوه مفیده او ګټوره رساله ده ، مهمو موضوعاتو ته په کې بیان شوي ده ، چې ګرافونو او د موضوع اړوند تصویرنو یی لیکنی ته ځانګړي ښکلا ور په برخه کړې ده .

زه د لیکوال دا هڅه له دیني علومو سره بی ساری مینه بولم ، او د لازیاتو علمي خپرونو ، لیکنو او دیني خدمتونو سپاربښتنه ورته کوم .

هیله ده ، چې په دنیا او آخرت کې به یې له اجر او ثواب څخه برخمن شي .

درنښت

پوهاند دوکتور اسرارالحی « منیت »

د ننګرهار پوهنتون شرعیاتو پوهنځي رئیس

استاد پوهاند داکتر سیداحمد « فاطمي »

تقریظ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی خیر خلقه محمد و علی اله و صحبه اجمعین اما بعد :

کومه لیکنه چي محترم برهان الدین « سعیدي » صیب ؛ د « تجوید قرآن کریم » عنوان لاندې کړې، ذکر شوي لیکنه ما د پېل څخه تر پایه ولوستله زه د نوموړي آثر په اړه خپل نظر په لاندې ډول څرګندوم :

۱ـ محترم برهان الدین « سعیدي » صیب ؛ پخپله دغه رساله کې د تجوید علم هغه اړین آحکام ځای په ځای کړي دي چی هر مسلمان لپاره ضرور دي چې د قرآنکریم تلاوت کې نوموړي احکام مراعات کړي .

۲ـ محترم سعیدي صیب ؛ خپله دغه قیمتي علمي رساله په ډیره ساده او عام فهمه دري ژبه لیکلې چې هر لوستونکي ورڅخه په ډیره آسانه استفاده کولای شي ، همدارنګه د موضوعاتو د لازیاتی روښانتیا په منظوریی ډیر جالب او ساده جدولونه او شکلونه جوړکړي دي چې په ډېره اسانه هر لوستونکی ورڅخه لویه علمي ګټه اوچتولای شي .

۳ـ قدرمن سعیدي صیب؛ په لیکنه کې په ډیری علمي امانتداری د تجوید علم د معتمدو مراجعو او مآخذونو څخه له هیواد نه بهر کی د درسی قیمتي دیني علمي آثر لیکنه د دی څرګندویي کویی چی محترم سعیدی صیب ؛ دین ، هیواد او هیوادوالو سره بې دریغه مینه لري .

په پای کی محترم برهان الدین « سعیدي» صیب ؛ ته د دی علمي بریا مبارکي وایم او د الله عزوجل څخه ورته د اوږده عمر او خوش ژوند هیله لرم .

پوهاند داکتر سیداحمد « فاطمي »

د ننګرهار پوهنتون ، د شرعیاتو پوهنځي استاد

۲ـ۹ـ۱۳۹۹ ـ ننګرهار

سپارښت لیک

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سره لدې چې په دیني علومو او په ځانګړي توګه د تجوید په علم کې کوم ځانګړای مهارت نه لرم ؛ خو دیني جذبې ، محبت، او د محترم ورور سعیدي صیب غوښتني و هڅولم چې د نوموړي د دې ستري کړنې قدرداني وکړم.

د قرآن کریم سمه لوستنه د هر مسلمان دنده ده ، او دا چاره یوازې له علماوو پورې نه ده ځانګړې شوې ، فکر کوم همدې اصل ته په کتو سره محترم سعیدي صیب هم له قرآن کریم او قرآني علومو سره د محبت په اساس د ا لیکنه تر سره کړې ده .

زه د نوموړی دا لیکنه یو مثبت او کټور ګام بولم او هیله کوم چې هیواد وال به تري ګټه پورته کړي ، دا چې محترم سعیدي صیب او سمهال د جرمني هیواد استوګن دی له نوموړي طمعه لرم چې جرمني او نورو ژبو ته به یې هم وژباړي؛ تر څو ډیر خلک ترې استفاده وکړي او نوموړې یې د ثواب مستحق شي .

په پای کې له نوموړي غوښتنه کوم چې په دیني علومو کې لا نور پر مختک وکړي او خپلی علمي او مادي مرستي د اصلي ټاټوبي له وګړو او علمي مؤسسو ونه سپموي ، د لازیات پر مختګ په هیله!

پوهنوال داکتر محمد طاهر « عنایت »

د کابل او د ننګرهار پوهنتون پخواني رئیس

د دسمبر میاشت ، د ۲۰۲۰ میلادی کال

استاد غلام ربانی « ادیب »

تقریظ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خداوند جان آفرین

حکیم و سخن بر زبان آفرین

خداوند ﷻ انسان را اشرف مخلوقات آفرید ، با علم و هنر ، نطق و بیان در گلستان زیبای تجوید آراسته ساخت اعجاز قرآن را به اصوات دلنشین حفاظ مزین ساخته ، قلوب انس و جن ، ملک و همه گوش فرا دهنده گان کلام او را معطوف ، متحیر و گرویده ی خود ساخت .

خواندن قرآن کریم را به اسلوب تجوید از خلط شدن معانی به یک دیگر محفوظ نگهداشت تا امت از گمراهی و غلط فهمی در امان بمانند .

جهان سپاس از محترم برهان الدین « سعیدی » که موضوع زیاد مهمی را که به نخستین تربیه کودکان و خانواده ها و همه مردم ارتباط میگیرد ، انتخاب نموده است بخصوص انتخاب تجوید در حقیقت خدمتگذاری به اساس دین است البته عقیده سالم ، تربیه نیک فامیلی ، برداشت سالم از دین انسان را وادار میسازد تا به چنین خدمات عام المنفعه ، صدقه جاریه و عمل جاودانه دست بکار شود.

البته من به پاس خدمت سعیدی صاحب این بیت را هدیه مینمایم ؛ خداوند ﷻ قلم اش را در خدمت جامعه نگهدارد .

خجسته توئی نور قرآن رنگینت کرد

وقار داد و سطح جهان سنگینت کرد

غفلتی زخود رفته بیدارت کرد

این بس است اگاهی بر دینت کرد

« ادیب »

من از استادان و شاگردان مدارس دینی و مکاتب میخواهم این کتاب پرُ محتوا را به دیده ی قدر نگریسته و در جمله کتاب های درسی شامل نموده ، مورد استفاده قرار دهند .

استاد غلام ربانی « ادیب »

مشاور حقوقی وزارت احیاء و انکشاف دهات

و استاد در پوهنتون تابش

۲۴ نوامبر ۲۰۲۰ ـ کابل

تقـریظ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمین ، حمداً یوافی نعمه و یکافي مزیده، والصلاة و السلام علی المبعوث رحمة للعالمین سیدنا محمّد و علی آله و صحبه أجمعین ، أما بعد:

الله متعال قرآن کریم را منحیث یگانه برنامه و قانون زندگی بشر فرستاد تا برمبنای آن امورات حیات و زندگی شان را سامان دهند و در سایه‌ای آن به سعادت دارین نایل آیند و بخاطر تبیین « لفظی و معنوی» آن پیامبر « صلی الله علیه و سلم » و به تبع او دانشمندان ربانی و آگاه را موظف گردانید، و از همان آغاز نزول مورد توجه مسلمانان قرار گرفت.

در امتداد تاریخ علوم اسلامی ما شاهد تدوین علومی ویژه‌ای قرآنی هستیم که در راستای تفسیر، تفهیم و تبیین کتاب الله تدوین و ایجاد شده اند، از آن میان یکی هم علم تجوید بوده که عهده‌دار تصحیح تلاوت و درست خواندن قرآن کریم می باشد.

بنابر رعایت قواعد و ضوابط این علم است که می توانیم قرآن کریم را درست چنان که نازل شده « به زبان عربی مبین » تلاوت کنیم؛ چه حسن تلاوت حسن معنا را در بر دارد، از همین روست که تلاوت درست و صحیح قرآن فرض بوده و مطلوب می باشد؛ تا از ایجاد خطاهای لفظی که منجر به خطاهای معنوی می گردد جلوگیری شود.

خواننده ای گرامی!

صفحاتی که پیش روی شماست نیز در راستای همین هدف عالی « تصحیح تلاوت» از جانب محترم برهان الدین « سعیدی » فراهم شده است ، که در بردارنده‌ای مهمترین قواعدی علم تجوید بوده که رعایت آن برای کلیه مومنان به ویژه قرآن خوانان لازم و ضروری می میباشد.

محترم برهان الدین « سعیدی » موضوعات کتاب را عام فهم و در قالب ساده‌ترین عبارات درخور فهم مبتدی « نوآموز » جمع آوری ، ترتیب و نوشته کرده است.

الله متعال این تلاش میمون و مبارک شان را در راستای خدمت کتاب خدا « ج » بپذیرد و نفع‌اش را عام گرداند.

قاری نصرت الله « صاحبي »
محصل پوهنځی شرعیات ، پوهنتون کابل

۹ - ۹ - ۱۳۹۹ هجري شمسي - کابل

فصل اول

تَجْوید چیست؟

علم تَجْوید یعنی « فن ترتیل» ؛ در لغت بمعنی « تحسین ، نیک ساختن و یا نیکو گردانیدن » است و در اصطلاح علمیست که از رعایت حق و مستحق حروف بحث میکند و هدف آن صحیح و درست أداء کردن هر حرف از مخرج با رعایت آداب و صفات آن به اساس قواعد و ضوابط و بشکل ترتیل « با دقت، با تامّل و با آهسته گی » میباشد.

ـ علم تَجْوید: علمیست که دارای ظوابط ، قواعد و دستورالعمل خاصی بوده و بخاطر تحسین و نیکو کردن ، تکمیل کردن و صحیح خواندن قرآن کریم ؛ از آن استفاده میشود.

باید تذکر داد که : رعایت کردن علم تجوید ؛ باعث میگردد تا قرآن عظیم ألشان را بشکل درست همانگونه که از طرف الله سبحانه و تعالی ، بر پیامبر بزرگوار اسلام محمّد « صلی الله علیه وآله وسلم » نازل شده است، میتوان تلاوت کرد.

ـ موضوع علم تَجْوید: حروف و کلمات قرآن عظیم ألشان، است.

ـ غرض علم تَجْوید: تصحیح حروف و نگهداری زبان از خطا در اداء و تلفظ ، قرآن مجید است.

ـ حکم علم تَجْوید: عمل کردن به قواعد تجوید « خواندن قرآن کریم طبق قواعد تجوید » برهر مسلمان فرض عین است؛ طوریکه رب العالمین به آن امر فرموده است.

وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا

وقرآن را با دقت و تامّل بخوان. « سورۀ المزمل ، آیۀ 4 »

ـ اهمیت علم تَجْوید: قرآن عظیم الشأن شامل لفظ و معنی میباشد و پیامبر بزرگوار اسلام « صلی الله علیه وآله وسلم » همانطور که معنای قرآن کریم را به صحابه کرام اموختاند ، لفظ و طریقه آن را نیز اموختاند ، پس لازم است تا قرآن مجید را طبق تعلیمات پیامبر « صلی الله علیه وآله وسلم» اموخت و آن را تلاوت کرد.

همچنان باید اضافه کرد که: اولین کسی که علم تجوید را تدوین ، تصنیف و تنصیف کرده : شیخ ابو مزاحم موسي بن عبيدالله بن يحيي بن خاقاني بغدادي مقري میباشد که درسال « 325 هجري قمري » چشم از جهان بست.

تَجْوید به دو بخش « نظری و عملی » تقسیم شده است:

۱ـ تَجْوید نظری: عبارت از مجموعه قواعد و ضوابطی است که برای صحیح خواندن حروف و کلمات قرآن کریم ، تنظیم شده است. بطورمثال : « مخارج حروف ، صفات حروف ، تفخیم ، ادغام ، مدّ و قصر و غیره ... ».

۲ـ تَجْوید عملی : عبارت از چگونگی « فن و هنر تلاوت قرآن کریم » است که بر اساس تلفظ زبان عربی ، مبتنی بر اداء و استماع میباشد.

ترتیل چیست؟

ترتیل: در لغت به معنی « منظم و مرتب » ساختن است و در اصطلاح خواندن و یا تلاوت آیات قرآن کریم با قواعد و نظم لازم و اداء صحیح حروف ، تدبّر در معانی و معرفت حقوق است.

توضیح ترتیل « معرفت حقوق »:

ترتیل « معرفت حقوق »: یعنی قران عظیم الشأن، به شکل آهسته ، آهسته خوانده شود و هدف از شکل آهسته و منزل به منزل ؛ خواندن حروف آن است تا حق یک حرف، به دیگر حرف نرود و یا به عبارت دیگر: مخرج یک حرف به مخرج حرف دیگر، خلط نشود.
یعنی زمانیکه میخواهید خرمای با هم چسپیده را از هم جدا کنید؛ باید به شکلی کوشش شود تا در وقت جدا کردن خرما ، چربی یک خرما در خرمای دیگر نچسپد و نماند . « ۱ » .

قابل تذکر است که : قرآن عظیم الشأن ، در قالب « ترتیل » بشکل تدریجی ، منظم و مرتب ؛ آیه به آیه و حرف به حرف و کلمه به کلمه، بالای پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفی « صلی الله علیه وآله وسلم » در طی « ۲۳» سال رسالت، به تدریج نازل شده و ایشان به همان شکل و طریقه به صحابه کرام، آموختانده است .

مراتب تلاوت از نگاه سرعت و غیرسرعت به چهار قسم است: « ۲ »

۱ـ ترتیل: در لغت به معنی منظم و مرتب کردن میباشد و در اصطلاح تجوید ، تلاوت نمودن قرآن کریم با اطمینان ، همراه با تدبّر در معانی آیات آن ؛ را ترتیل گویند.

۲ـ تحقیق: در لغت حق چیزی را اداء نمودن و در اصطلاح تجوید ، تلاوت نمودن قرآن کریم با آرامش کامل میباشد که این روش برای کسانیکه در حال تعلیم و تعلّم قرآن عظیم الشأن میباشند، روش مناسبی است.

۳ـ تحدیر: در لغت سرازیر شدن را گویند و در اصطلاح تجوید، به معنای تلاوت نمودن قرآن کریم با سرعت زیاد همراه با رعایت احکام و قواعد تجوید.
البته که این روش برای کسانیکه در قرائت قرآن کریم تجربهٔ کافی ندارند، مناسب نمی باشد؛ زیرا با این روش کلمات و حروف را ضایع خواهند ساخت.

۴ـ تدویر: در لغت دوره کردن و چرخانیدن را گویند و در اصطلاح تجوید ، تلاوت نمودن قرآن کریم، با سرعت متوسط آمده است.
یعنی خواندن قرآن کریم در میان ترتیل و تحدیر، همراه با رعایت احکام و قواعد تجوید.

تذکر: علماء تَجْوید در میان چهار قسم قرائت؛ ترتیل را به عنوان بهترین روش تلاوت انتخاب نموده اند، زیرا ، قرآن کریم با ترتیل نازل شده است.

۱ـ درس « برکت التجوید » محترم شیخ القراء استاد برکت الله « سلیم ».
۲ـ کتاب « حق تلاوت » ، صفحه « ۱۵» ، نوشتهٔ: محترم استاد قاری نصرت الله « صاحبی ».

فصل دوم
الفبای زبان عربی

هر زبان؛ مرکب از « شکل، اسم و تلفّظي » خاص بوده و از تعداد معيّني حروف الفبا، تشکیل شده است . در اصطلاح علم تجوید مجموع حروف را از « الف تا یاء » بنام « حروف تهجی » یاد میکنند که تعداد این حروف الفبا در زبان عربی « ۲۸ » حرف است.

همچنان باید خاطر نشان ساخت که : از جمله « ۲۸ » حرف الفبای عربی؛ به تعداد « چهارده » حرف آن بنام « شمسي » و بتعداد « چهارده » حرف آن بنام « قمري » تقسیم بندی شده است.

« الف ـ با ـ تا ـ ثا ـ جیم ـ حا ـ خا ـ دال ـ ذال ـ راء ـ زاء ـ سین ـ شین ـ صاد ـ ضاد ـ طا ـ ظا ـ عین ـ غین ـ فا ـ قاف ـ کاف ـ لام ـ میم ـ نون ـ ها ـ واو ـ یا ».

فصل دوم : الفبای زبان عربی

الفبای زبان عربی دارای « ۲۸ بیست و هشت » حرف می باشد که از جمله « چهارده » حرف شمسي و « چهاده » حرف قمري میباشد .

ا « الف »	ب « با »	ت « تا »	ث « ثا »	ج « جیم »
ح « حا »	خ « خا »	د « دال »	ذ « ذال »	ر « راء »
ز «زاء»	س « سین »	ش « شین »	ص « صاد »	ض « ضاد »
ط « طا »	ظ « ظا »	ع « عین »	غ « غین »	ف « فا »
ق « قاف »	ک « کاف »	ل « لام »	م « میم »	ن « نون »
هـ « ها »	و « واو »	ی « یا »		

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

توضیح در رابطه به الفبای زبان عربی

ـ هر حرفی را که در زبان دری ـ فارسی با صدای « زیر » می خوانیم؛ در زبان عربی آن را با صدای « الفی » تلفظ میکنیم . مثلاً : در زبان دری ـ فارسی « بِ ـ تِ » و در زبان عربی « باء ـ تاء » میباشد.

ـ بعضاً « الف مدّي » را بالای حروف الفبای زبان عربی ، اضافه کرده و تعداد آن ر ا به « بیست و نه » حرف، بلند برده اند.

ـ حرف « الف » در زبان عربی از حروف ناخوانا و ساکن است و هرگاه متحرک شود آن را « همزه » میگویند و بشکل « ء » ، بالای سه حروف « أ ـ ؤ ـ ئ » قرار میگیرد.

مثلاً: « اُولِئکَ ـ اِنْ یَشَأ ـ لُؤْ لُؤْ ـ شَیْئ » و بعضاً بشکل مستقل « ءَاَنْذَرْتَهُمْ » نوشته میشود.

ـ همزه در ابتدا ، وسط و آخر قرار میگیرد . مانند : « أَذهَبُ ـ سَأَلَ ـ قَرَأَ » ولی « الف» هیچ گاه در ابتدای کلمات قرار نمیگیرد. بناً « الف » که در ابتدای کلمات قرار داده میشود ، « همزه » است نه « الف » ؛ به این اساس حرفِ اول الفبای زبان عربی « همزه » میباشد.

ـ توضیح بیشتر در مورد همزه:« فصل هفتم، صفحه ۲۵ ـ ۲۶ ».

ـ حروف شمسي « لام شمسي »:

حروف شمسی در الفبای زبان عربی به « چهارده » حرف تقسیم شده و « الف و لام » آن نوشته شده ولی، خوانده یا تلفظ نمی شود.
مثلا : « وَالشَّمْسِ » تبدیل به « وشَّمْسِ » شده و حرف « الف ـ لام » تلفظ نمیشود و بالای حرف « شین » شدد « مشدد » وارد میگردد.

فصل دوم : حروف شمسي « لام ـ شمسي »

در الفبای زبان عربی « چهارده » حرف بنام « شمسي » تقسیم شده است .

ت « تا »	ث « ثا »	د « دال »	ذ « ذال »	ر « راء »
ز « زاء »	س « سین »	ش « شین »	ص « صاد »	ض « ضاد »
ط « طا »	ظ « ظا »	ل « لام »	ن « نون »	

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

ـ حروف قمري « لام قمري »:

حروف قمری در الفبای زبان عربی به « چهارده » حرف تقسیم شده و در صورتیکه قبل از حروف قمری، « الف و لام » بیاید ، حرف « ل » در آن خوانده یا تلفظ می شود.
مانند: « وَالْقَمَرِ، وَ الْبَنُونَ » .

فصل دوم : حروف قمري « لام ـ قمري »

در الفبای زبان عربی « چهارده » حرف بنام « قمري » تقسیم شده است .

ا « الف »	ب « با »	ج « جیم »	ح « حا »	خ « خا »
ع « عین »	غ « غین »	ف « فا »	ق « قاف »	ک « کاف »
م « میم »	هـ « ها »	و « واو »	ی « یا »	

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

توضیح در رابطه به خواندن حرف « لام »

طوریکه در بالا تذکر داده شد که : حرف « لام » فقط در چهارده حروف قمری، خوانده میشود.
ولی ، بنابر قاعده حروف ناخوانا « والی » که در فصل هفتم صفحه « ۲۳ » توضیح داده شده که: اگر حرف « لام » حرکت نداشته باشد ، خوانده نمیشود.

فصل سوم

مخارج حروف

مخارج حروف؛ در « حلق ، زبان و لب » قرار دارد و آن قسمت از دستگاه تکلّم است که حروف بشکل « اوتار صوتی » از مخارج مربوطه ، خارج یا تلفظ میشود و به سه شکل: « مخارج حروف، حقوق حروف و مستحقّات حروف » میباشد .

۱ـ مخارج حروف: مخارج حروف از جمله مسائل علم تَجْوید است که خود شاخه ای از علوم قرآنی بوده و به اساس رهنمود علم تجوید ، هر یک از حروف از جایگاه خاصی تلفظ میشوند و بنام « مخارج حروف » یاد میگردند.

۲ـ حقوق حروف: عبارت از حالاتی مختلفي است که حروف گوناگون به صورت انفرادي و بدون انکه در بین کلمات قرار گیرند، اداء میشود.

مثلاً درهنگام تلفّظ بعضی حروف زبان بطرف کام دهن « بالا سقف دهان » می چسپد و در این حالت « درشت و پرحجم » تلفظ صورت میگردد و همچنان بر خلاف بعضي حالت زبان در وقت تلفّظ پایین آمده و از سقف دهان دور میشود که حروف « نازك و کم حجم » اداء میگردد.

۳ـ مستحقّات حروف: حالتی را میگویند که حروف در ترکیب خود با حروف دیگر در کلمات و یا به خاطر داشتن حرکات مختلف پیدا کرده که معمولاً در احکام نون ساکن و تنوین و قواعد احکام « اظهار، ادغام ، اقلاب و اخفاء » میباشد.

توضیح در رابطۀ مخارج حروف

مخارج جمع « مخرج » است ، در لغت محل خروج و در اصطلاح عبارت از جای است که از انجا حروف خارج و یا تلفظ می شود.
مخارج حروف به طورعمومی از « پنج » موضع عمومی و از « هفده » محل خصوصی خارج می گردند، که عبارتاً از هریک:

۱ـ جوف دهان « الجوف »: جوف بمعنی خالیگاه دهن است که از ان سه حرف هریک : « واو، یاء و الف » خارج میگردد.
۲ـ اقصای حلق « الحلق »: عبارت از مجرای خوردن و نوشیدن است که در آخیر دهن قرار دارد و دارای مخرج « غ ، خ ، ع ، ح ، ء ، هـ » میباشد.
۳ـ لسان « اللسان »: در زبان عربی لسان عبارت از « زبان » است که محل مخرج « ر - ن ، ط ـ د ـ ت ، ظ ـ ذ ـ ث ، ض ـ ل ، ی ـ ش ـ ج ، مد غیر ک ـ ق » میباشد.
۴ـ شفتین « الشفتان »: بمعنی شفع و شفع بمعنی « تسمیه لبها » است که محل حروف « ب ، م ، ف و غیر مد » میباشد.
۵ـ خیشوم « الخیشوم »: خیشوم راه تنفسی بینی و یا آخر بینی است که از آن حرف « ن ، م » در حالت « غنّه » خارج میشود .
غنّه: یعنی بردن آواز در بینی و مقدار غنّه به اندازه « یک » حرکت یا یک الف می باشد.

فصل سوم: توضیح در رابطه مخارج حروف

مخارج حروف: در « حلق ، زبان و لب » قرار دارد و آن قسمت از دستگاه تکلم است که حروف بشکل « اوتار صوتی » از مخارج مربوطه ، خارج یا تلفظ شده و به سه شکل : « مخارج حروف، حقوق حروف و مستحقّات حروف » میباشد.

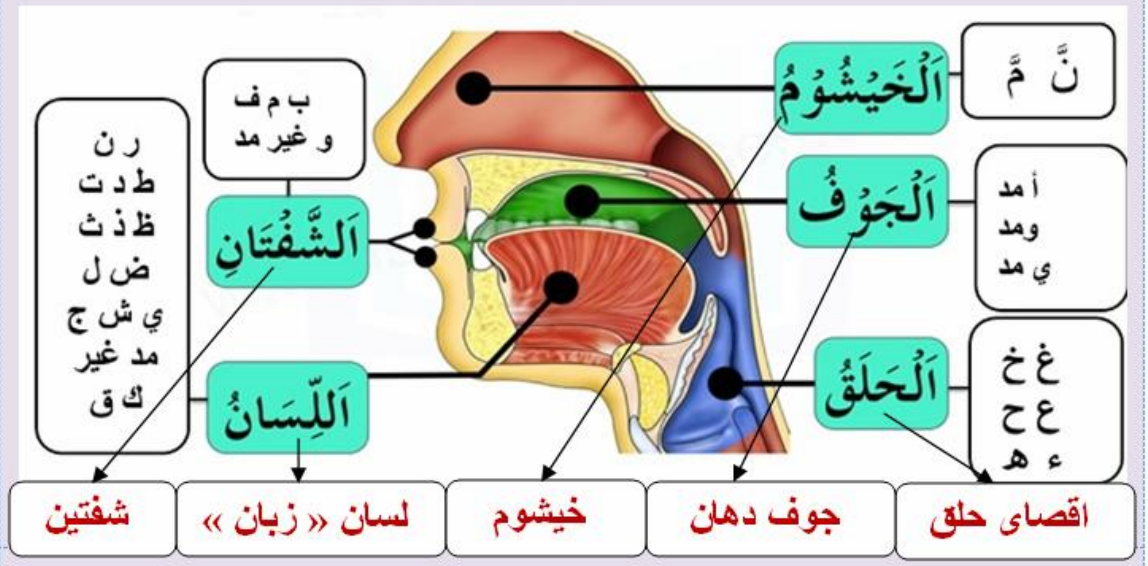

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

یادداشت: برای پیدا کردن مخرج یک حروف ، باید حرف را ساکن نموده و یک همزه مفتوحه بر سر آن بگذاریم . مثلاً : حرف « ب و ت » را میتوان به « أب و أت » تلفظ کرد و در هنگام تلفظ « محلی » که صوت « صدا » ما در آنجا قطع میشود، مخرج همان حرف نامیده میشود.

تفصیل باب مخرج حروف

۱ـ **جوف دهان:** از این مخرج سه حرف هریک: ا « الف » ، و « واو» ، ی « یا » خارج میشود.

۲ـ **اول حلق از طرف سینه « اقصای حلق » :** از آن دو حرف هریک: ء « همزه » ـ هـ « هاء » خارج میشود.

۳ـ **وسط حلق :** از آن دو حرف هریک : ع « عین » و ح « حا » خارج می شود که در حرف « ع » آواز شامل میباشد و در حرف « ح » آواز و « هوا » شامل نمی باشد.

۴ـ **حلق « لسان ، ادنای حلق »:** مخرج آخری است که از آن دو حرف هریک: غ « غین » و خ « خا » خارج می گردد.

۵ـ **بیخ زبان :** در اخیر کام قرار دارد و از آن حرف ق « قاف » خارج می گردد.

۶ـ فوق زبان « آخرین قسمت زبان ـ ریشه زبان »: از آن حرف ک « کاف » خارج می گردد.

۷ـ وسط لسان « وسط زبان »: مخرج سه حرف هریک: ج « جیم » ، ش « شین » و ی « یاء » میباشد که بنام حروف « شجری » یاد میشود.

البته در وقت اداء کردن حرف « شین » زبان انقدر به شدت به کام نمی چسپد ، به مثل که حرف « ج » میچسپد . حرف « ج » به سختی است ، مثل « حج » ؛ و در اداء کردن حرف « ی » فاصلهٔ زیاد میماند.

فصل سوم : تفصیل باب مخرج حروف

جوف دهان	اول حلق	وسط حلق	حلق	بیخ زبان	فوق زبان
ا ، و ، ی	ء ، ه	ع ، ح	غ ، خ	ق	ک
۱	۲	۳	۴	۵	۶

وسط لسان «وسط زبان»	کناره زبان	نزدیک کناره زبان	طرف زبان لسان	کناره زبان «بیره»	نوک زبان
ج ، ش ، ی	ض	ل	ن	ر	د ، ط ، ت
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲

نوک زبان	نوک زبان	نوک دو دندان	وسط لبها	خشیوم بینی
ظ ، ذ ، ث	ص ، ز ، س	ف	و ، م ، ب	غنه ، ن ، م
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

۸ـ کناره زبان « حافهٔ لسان » : با دندانهای اضراس بوده و مخرج حرف ض « ضاء » میباشد . و حرف « ض » از جمله سقیل ترین حرف بالای زبان میباشد و این مخرج بنام « ضرسی » نیز نامیده میشود. « حرف ضرسی « ض »: عامل تماس کناره زبان با دندان های اضراس است.».

۹ـ نزدیک کناره زبان « دو کناره بیرونی زبان»: از این مخرج ، حرف ل « لام » خارج می گردد.

۱۰ـ طرف زبان ، لسان « سر زبان » : از این مخرج ، حرف ن « نون » خارج می گردد.

۱۱ـ کناره زبان « بیره »، نوک زبان : از این مخرج ، حرف ر « راء » خارج می گردد . البته حرف « ر » نزدیک به مخرج « ن » میباشد و دروقت اداء کردن از پشت زبان ظاهر میشود.

۱۲ ـ نوک زبان « بیخ ثنایای علیا » : از این مخرج سه حرف هریک : د « دال » ، ط « طاء » و ت « تاء » خارج شده و بنام حروف « نطعی » یاد میشود . البته در صورتیکه صدا قطع شود « د » به « ت » تبدیل میشود.

۱۳ـ نوک زبان همراه دندانها « لبه ثنایای بالا » : از این مخرج سه حرف هریک : ظ « ظاء » ، ذ « ذا » ، ث « ثاء » خارج شده و بنام « لثوی » نیز یاد میشود.

۱۴ـ نوک زبان « کناره ثنایای فک پائین » : از این مخرج سه حرف هریک : « ص « صاء » ، ز زاء » ، س « سا » خارج می گردد که این سه حروف بنام « صفیر » یعنی « تیزی » و یا « اسلی » نیز یاد میشود.

۱۵ـ نوک دو دندان و یا تری لب پائین : از این محل ، حرف ف « فاء » خارج می گردد.

۱۶ـ وسط لبها « هر دولب » : از این محل سه حروف هر یک : و « واو » ، م « میم » ، ب « با » خارج می گردد و بنام حروف « شفوی یا شفَهی » یعنی « لبی » نیز یاد میشود.
قابل یاددهانی است که: تری هر دو لب در حالت پیوسته بهم مخرج دو حرف « ب ، م » و در حالت باز مخرج حرف « و » میباشد.

۱۷ـ خشیوم : خیشوم و یا راه تنفسی بینی؛ دارای یک مخرج خصوصی برای دو حرف « ن ، م » فقط در حالت « غنه » میباشد.

حروف و مخارج آنها

ـ حروف حلقی : شش حرف هریک « ء ـ ه ـ ح ـ ع ـ خ - غ » میباشد که از مخارج شماره دوم ، سوم و چهارم تفصیل باب مخرج حروف ، صفحه « ۱۳ » خارج میگردد.

ـ حروف لهوي: « ق ـ ک » لهات « زبان کوچک » .

ـ حرف ضرسی: « ض » چون تعداد زیادی از دندان های الاشه گی در تلفظ آن دخالت دارند.

ـ حروف شجري: « ج ـ ش ـ ی » شَجر یعنی « سقف دهان » .

ـ حروف لثوي: « ر ـ ل ـ ن » لثه « بیره » را گویند و بیره در ایجاد این حروف نقش اصلی را دارد.

ـ حروف نطعي : « ت ـ د ـ ط » برجستگی های بیره در پشت ثنایای بالا را نطع می گویند.

ـ حروف ذلقي یا ذَولَقی : « ث ـ ذ ـ ظ » ذلق به معنی تیزی نوک زبان است.

ـ حروف اسلي : « ز ـ س ـ ص » اَسَلَةُ الّسان یعنی قسمت جلویی زبان « باریکه ی سر زبان» .

ـ حروف شفوی یا شفَهی : « ب ، ف ، م ، و » شفوی یعنی « لبی » .

ـ حروف جوفی یا هوایی : « ا ـ و ـ ی » میباشد .

فصل چهارم

دندانها

دندان : دندان بخش سخت و محکمی در « فک انسان » است که عمدتاً برای جویدن ، تکه کردن، بریدن و آسیاب غذا بوده و همچنان نقش مهمی در تکلم و ادای صحیح کلمات، دارد.

قابل یاددهانی است که : معمولاً انسانها دارای بیست « ۲۰ » دندان اولیه بنام « دندان شیری» و متعاقباً دارای سی و دو « ۳۲ » دندان دائمی میباشند که توسط « ریشه ، تاج ، مینا ، عاج و ساراج » پوشانیده شده و به نام « داندان پیش ، داندان نیش و دندان اسیاب » تقسیم و یاد میگردد.

مخارج حروف الفبای زبان ، لب و دندانها بوده و از جانب هم اکثرآ مخارج حروف در تَجْوید قرآن کریم ، به دندان ها تعلق دارد . بناً ضرورت است تا به شکل درست آنها را شناخت که از کدام جای اداء و از کدام مخرج ، آواز از آنها خارج و یا تلفظ میگردد.

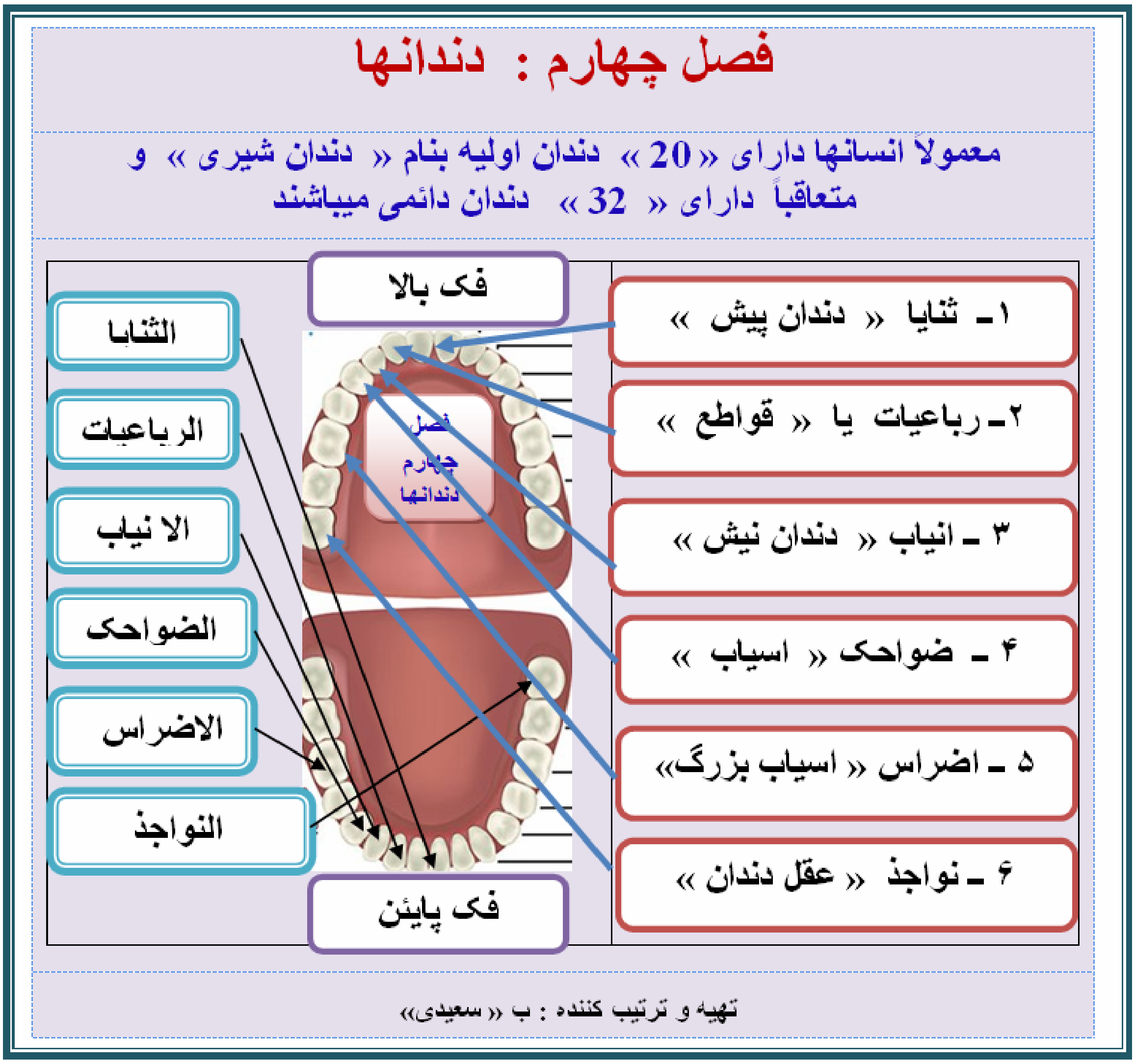

۱ـ ثنایا « دندان پیش » : البته دو دندان پیشروی طرف بالا بنام « ثنایای علیا » و دو دندان پایان دهن بنام « ثنایای سفلی » یاد میشوند.

۲ـ رباعیات یا « قواطع »: البته دو دندان بطرف بالا و دو دندان بطرف پائین بنام « رباعیات » یاد میشوند.

۳ ـ انیاب « دندان نیش »: دو دندان بالا و دو دندان پائین بنام انیاب یا « کواسر» یاد میشود.

۴ ـ ضواحک « اسیاب کوچک »: دوندان بالا و دو دندان پائین بنام ضواحك یاد میشود.

۵ ـ اضراس « اسیاب بزرگ »: سه دندان بالا و سه دندان پائین بنام اضراس یاد میشود.

۶ ـ نواجذ « عقل دندان » : دو دندان الاشه بالا و دو دنادان الاشه پائین ؛ بنام نواجذ یاد میشوند.

یادداشت: کمیت و نام « دندانها » به صورت شعری به نظم ذیل در آورده شده است.

سی و دو ز دندانها یاد دار ــ ثنایا چهار و رباعی چهار
چهارند انیاب و اضراسُ بیست ــ ضواحک طواحن نواجذ شمار
ضواحک چهارندُ بی قیل و قال ــ طواحن ده و دو نواجذ چهار

فصل پنجم

صدای کوتاه و صدای کشیده

حرکات و یا صداها نقش اساسی در تلفّظ حروف و کلمات قرآن عظیم الشان دارد و به دو شکل: صدای کوتاه و صدای کشیده، تقسیم شده است.

١ـ صدای کوتاه یعنی حرکات « فَتْحَهْ، کَسْرَهْ و ضَمَّهْ »:

حرکات در ادبیات عبارت از « تکان خوردن ، جنبیدن و تغیر مکان دادن » است و در اصطلاح علم تَجْوید عبارت از حرکت کوتاه و یا صدای سه گانه : « فَتْحَهْ ، کَسْرَهْ و ضَمَّهْ » میباشد که از چگونگي اداي حروف تهجّي حکایت میکند و هرگاه داراي حرکت باشند ، آن را « متحرك » نیز میگویند.

ـ حرکت فَتْحَهْ یا زبر « حرف مفتوح »:

فَتْحَهْ: حرکت فَتْحَهْ « بالای » حروف قرار میگرد و بمعنی باز شدن « دهان » است و در اصطلاح علم تَجْوید عبارت از باز شدن « دهان و لب » در وقت تلفظ کردن بسمت « بالا » بوده و صدای « اَ » را میدهد و به نام « حرف مفتوح » نیز نامیده میشود.

فَتْحَهْ : یعنی « الف مقصوره ای » که در سر حرف قرار داده میشود و در وقت صدای « اَ » در مخرج ان کشیده میشود . مثلاً : « اَ ، بَا » همچنان در تلفظ فَتْحَهْ یا « حرف مفتوح » کوشش شود تا صدا کوتاه باشد و با مثل الف « مدی »، کش داده نشود.

فصل پنجم : حرکت فَتْحَهْ یا « زبر »

فَتْحَهْ: حرکت فتحه « بالای » حروف قرار میگرد و بمعنی باز شدن « دهان » است و در اصطلاح علم تجوید عبارت از باز شدن « دهان و لب » در وقت تلفظ کردن بسمت « بالا » بوده و صدای « اَ » را میدهد و به نام « حرف مفتوح » نیز نامیده میشود .

« ـَـ » مثلاً : « اَ ـ بَا »

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

ـ حركت کَسْرَهْ یا زیر» حرف مكسور»:

کَسْرَهْ : حرکت کَسْرَه در « زیر » یک حرف قرار میگیرد ، بمعنی « شکسته » میباشد و دراصطلاح علم تَجْوید به حرکت گفته میشود که در وقت تلفظ لب پائین، حالت شکسته را به خود اختیار میکند و بنام « حرف مکسور » نیز یاد میشود . مثلاً : « اِ ـ بِا ـ جِا » .

فصل پنجم : حركت کَسْرَهْ یا « زیر »

کَسْرَهْ : حرکت کسره در « زیر » یک حرف قرار میگیرد ، بمعنی « شکسته » میباشد و دراصطلاح علم تجوید به حرکت گفته میشود که در وقت تلفظ « لب » پائین حالت شکسته را به خود اختیار میکند و بنام « حرف مکسور » نیز یاد میشود .

« ـِـ » مثلاً : « اِ ـ بِا »

تهیه و ترتیب كننده : ب « سعیدی»

کَسْرَهْ : یعنی « الف مقصوره ای » که در زیر حرف قرار داده میشود ، صدای « ی » را میدهد و زیاد صدا کش داده نشود که صدای « ي » را ندهد.

کَسْرَهْ : اگر کَسْرَهْ در زیر حرف قرار گرفت که بعد از آن حرف « ی » ساکن باشد ؛ در آن وقت صدای « ي » در مخرج ان کشیده میشود .

ـ حرکت ضَمَّهْ و یا پیش « حرف مضموم »:

ضَمَّهْ : ضَمَّهْ « بالای» یک حرف قرار میگرد ؛ مثل حرف « و» کوچک است و در اصطلاح تَجْوید به حرکت میگویند که در تلفظ ، لبها به اهسته جمع و به هم پیوسته وغنچه میشوند و آن را « حرف مضموم » نیز میگویند. مثلاً: « اُ ـ بـاُ » .

فصل پنجم : حرکت ضَمَّهْ و یا « پیش »

ضَمَّهْ : ضمه « بالای» یک حرف قرار میگرد ؛ مثل حرف « و» کوچک است و در اصطلاح تجوید به حرکت میگویند که در تلفظ « لبها » به اهسته جمع و به هم « پیوسته وغنچه » میشوند و آن را « حرف مضموم » نیز میگویند.

« ـُـ » مثلاً « اُ ـ باُ »

تهیه و ترتیب كننده : ب « سعیدی»

ضَمَّهْ : بشکل « پیش سرچپه » بوده ، اگر بالای حرف قرار گرفت که بعد از آن « و » ساکن باشد؛ در آن صورت صدای « آو » در مخرج ان کشیده میشود. مثلاً : « آو، بوو » ضَمَّهْ در وقت صدا ، کوشش شود که زیاد کشیده نشود و صدای « آوو » را ندهد.

توضیح : در موقع تلفظ حرکت « فَتْحَهْ ، کَسْرَهْ و ضَمَّهْ » کوشش شود تا صدا کوتاه و زیاد کش داده نشود که به همین اساس این سه حرکت را بنام « حرکت کوتاه » نیز یاد میکنند.

۲ـ صدای کشیده « حروف مدّی »:

فصل پنجم : صدای کشیده « حروف مدّی »

حرکات یا صدای کشیده که بنام « حروف مدّی » نیز یاد میشود ؛ عبارت از : « الف ـ یاء ـ واو » بوده و از کشش صدای « فَتْحَهْ ، کَسْرَهْ و ضَمَّهْ » تشکیل میشوند .

« اَ ـ اَو ـ اِي »

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

حرکات یا صدای کشیده که بنام « حروف مدّی » نیز یاد میشود ؛ عبارت از : « الف ـ یاء ـ واو » بوده و از کشش صدای « فَتْحَهْ ، کَسْرَهْ و ضَمَّهْ » تشکیل میشوند.

۱ـ صدای کشیده « آ » فَتْحَهْ:

هر وقتیکه روی یک حرف علامت فَتْحَهْ قرار داشت و بعد از آن حرف « آ » قرار گیرد ؛ در آن وقت آن حرف که فَتْحَهْ دارد ، با صدای « آ » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود.

فصل پنجم: صدای کشیده « آ » فَتْحَهْ

هر وقتیکه روی یک حرف علامت « فَتْحَهْ » قرار داشت و بعد از آن حرف « آ » قرار گیرد ؛ در آن وقت آن حرف که « فَتْحَهْ » دارد ، با صدای « آ » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود. مثلاً :

الف به شکل بلند (۱)

كَانَ	قَالَ	خَافَ	مَكَانَ

الف کوتاه تنها (۲)

تَبٰرَكَ	أَعْمٰلُهُمْ	مَشٰرِقَ	أَيمٰنُهُمْ
أُمَّهٰتُكُمْ	يُجٰدِلُ	أَنزَلْنٰهُ	جَنّٰتٌ

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

۲ـ صدای کشیده « اِی » کَسْرَهْ:

هر وقتیکه روی یک حرف علامت کَسْرَهْ قرار داشت و بعد از آن حرف « ی » قرار گیرد؛ در آن وقت آن حرف که کَسْرَهْ دارد ، با صدای « ي » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود.

فصل پنجم: صدای کشیده « اِی » کَسْرَهْ

هر وقتیکه روی یک حرف علامت « کَسْرَهْ » قرار داشت و بعد از آن حرف « ی » قرار گیرد ؛ در آن وقت آن حرف که « کَسْرَهْ » دارد ، با صدای « ي » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود. مثلاً :

اِی	بِی	رِی	سِی	صِی
کِی	نِی	وِی	هِی	یِی

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

۳ـ صدای کشیده « آو » « ضَمَّهْ »:

هر وقتیکه روی یک حرف علامت ضَمَّهْ قرار داشت و بعد از آن حرف « و » قرار گیرد ؛ در آن وقت ، آن حرف که ضَمَّهْ دارد، با صدای « آو » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود.

فصل پنجم: صدای کشیده « آو » « ضَمَّهْ »

هر وقتیکه روی یک حرف علامت « ضَمَّهْ » قرار داشت و بعد از آن حرف « و » قرار گیرد ؛ در آن وقت ، آن حرف که « ضَمَّهْ » دارد ، با صدای « آو » تقویت شده و کشیده تلفظ میشود. مثلاً :

اُو	بُو	تُو	ثُو	جُو
دُو	ذُو	غُو	وُو	هُو

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

فصل ششم

علامت « مد »

علامت مد: مد بمعنى كشيدن و دراز كردن است و اين علامت فقط بالاى « سه » حرف الفباى زبان عربى : « ا ، و ، ى » قرار ميگرد و با صداى كشيده « ير » تلفظ ميشود و بنام « واى » و يا « حرف علت » نيز ياد ميشوند . مثلاً: « جَآءَ ، تَأْمُرُونَ ، إنّي أَعْلَمُ ».

ـ هر وقتيكه بعد از حروف مدى « ا ـ و ـ ى » حرف همزه « ء » قرار گيرد ، در آن وقت علامت « مد » واقع ميشود و به اندازه سه « الف » و يا بستن سه انگشت كشيده و يا تلفظ ميشود . مثلاً : « أَبْنَاءَكُمْ » .

ـ هر وقتيكه بعد از حروف مدى « ا ـ و ـ ى » علامت « سكون » قرار گيرد ، در آن وقت علامت « مد » واقع ميشود.

همچنان بايد اضافه كرد كه : هر وقتيكه بعد از حروف مدى « ا ـ و ـ ى » علامت « تشديد » قرار گيرد ، در آن وقت علامت « مد » واقع ميشود.

فصل هفتم

قوانین « الف وصل » و « همزه وصل »
در چهار حروف ناخوانا « والی »

در زبان عربی ، چهار حرف الفبای هر کدام : « ا - ل ـ و - ی » که بنام « والی » و یا حروف « ناخوانا » نیز یاد میشود؛ اگر هیچ حرکت یا علامت بالایش نباشد ، بشکل مطلق خوانده نمیشود، ولی نوشته میشود.

فصل هفتم: حروف ناخوانا « والی »

در زبان عربی ، چهار حرف الفبای هر کدام : « ا - ل ـ و - ی » که بنام « والی » و یا حروف « ناخوانا » نیز یاد میشود؛ اگر هیچ حرکت یا علامت بالایش نباشد ، بشکل مطلق خوانده نمیشود، ولی نوشته میشود .

« ا - ل - و - ی »

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

ـ **الف « أ » : از جمله چهار حروف ناخوانا « والی » است ، که بعضی اوقات علامت « ص »** و یا علامت صفر « ه » بالایش قرار میگرد و در صورتیکه در « **وسط و یا اخیر کلمه** » واقع شود، بشکل مطلق خوانده نمیشود.

ولی اگر حرف الف در « اول کلمه » قبل از حرف « ل » و یا سایر حروف قرار گرفت ، در آن وقت برای تلفظ « الف»؛ حرکت **فَتْحَهْ** داده میشود. **توضیحات: در بخش الف وصل « صفحه ۲۴».**

ـ **الف صفردار: الف که بالای آن نشان « صفر» باشد، خوانده نمیشود که اکثرا دراخیر کلمه میاید.**

فصل هفتم : الف صفردار

الف صفردار: الف که بالای آن نشان « صفر» باشد ، خوانده نمیشود که اکثرا در اخیر کلمه میاید .

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

ـ الف وصل « ص »: الف که بالای آن حرف « ص » باشد به ترتیب ذیل قابل خواندن است:

۱ـ اگر الف وصل: در « ابتدا یک کلمه » و قبل از حرف « ل » قرار گیرد ، در آن صورت با اضافه کردن حرکت « فَتْحَهْ » ، خوانده میشود. مثلآ: « اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ».

۲ـ اگر الف وصل: در « مابین کلمه » قبل از حرف « ل » در یک کلمه قرار گیرد؛ در آن حالت به هیچ صورت « الف وصل » خوانده نمیشود. مثلآ: « والعصر ».

۳ـ اگر الف وصل: بدون حرف « ل » ، به حروف دیگری « الفبای عربی » در « ابتدا کلمه » قرا داشته باشد ، در آن صورت قاعده ذیل باید صورت گیرد:

توضیح: قواعد برای خواندن « الف وصل » بدون حرف « لام »

ـ اگر در ابتدا کلمه حرف « الف » بدون حرف « لام » ، به یکی از حرف « ساکن » قرار داشت در آن صورت برای حرکت دادن و خواندن « الف » باید به حرف بعدی آن که « حرف سوم » کلمه است و حرکت دارد ، به ترتیب ذیل مراجعه شود.

۱ـ اگر حرف سوم: حرکت « كَسْرَه » داشت ، برای خواندن « الف وصل » ، حرکت « كَسْرَه » داده شده و خوانده میشود. مثلاً: « اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ».

۲ـ اگر حرف سوم: حرکت « ضَمَّهْ » داشت، برای خواندن « الف وصل » ، حرکت « ضَمَّهْ » داده شده و خوانده میشود.

۳ـ اگر حرف سوم: حرکت « فَتْحَهْ » داشت ، در این حالت برای خواندن « الف وصل » ، حرکت « فَتْحَهْ » داده نمیشود ، چون حرکت « فَتْحَهْ » در حالتی بود که حرف « الف » قبل از حرف « ل » قرار داشت. بناً در این حالت باز هم برای خواندن حرف « الف » ، حرکت « كَسْرَه » داده میشود.

۲ـ قواعد در مورد سه حرف « و ـ ل ـ ی » ناخوانا « والی »:

اگر بالای سه حرف ناخوانا هر یک : « و ـ ل ـ ی » هیچ علامت وجود نداشته باشد ، خوانده نمیشود به مثل اینکه اصلاً وجود ندارد.

۳ـ قواعد همزه « ء » در سه حرف « و ـ ا ـ ی » ناخوانا « والی »:

همزه حروفی است که گاهی به صورت اصلی « ء » و بدون پایه همزه و گاه بالای یکی از حروف ناخوانا به شکل (أ . ؤ . ئ) نوشته میشود که در این صورت تنها « همزه » خوانده میشود و حروفی که پایه همزه قرار گرفته ، خوانده نمیشود. مثلاً: قواعد همزه ، در سه جدول ذیل:

فصل هفتم : قواعد همزه « ء » در سه حرف « و ـ ا ـ ی » ناخوانا

همزه حروفی است که گاهی به صورت اصلی « ء » و بدون پایه همزه و گاه بالای یکی از حروف ناخوانا به شکل (أ . ؤ . ئ) نوشته میشود که در این صورت تنها « همزه » خوانده میشود و حروفی که پایه همزه قرار گرفته ، خوانده نمیشود .

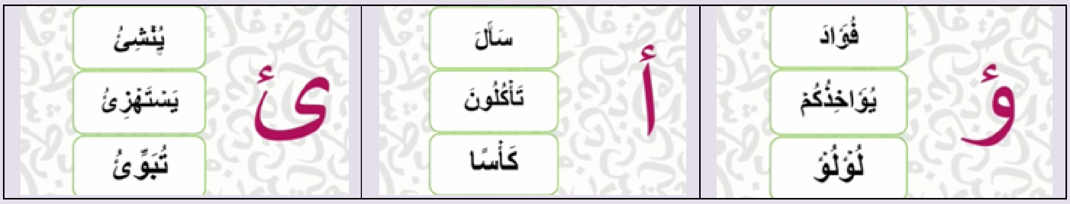

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

توضیح در رابطه به همزه و الف:

ـ بعضی از علمای علم تجوید به این نظر هستند که « الف » از فضای دهان خارج شده ، تکیه گاهی ندارد و مجرد صوت و قائم به غیر است. از جانب هم چون « الف » ساکن میباشد و بشکل تنهایی اداء نمیشود ، بناً در جمله اعداد حروف به شمار نمی اید.

ـ « الف » هیچ گاه در ابتدای کلمات قرار نمیگیرد. بناً « الف » که در ابتدای کلمات قرار داده میشود، « همزه» است نه « الف »؛ به این اساس حرف اول الفبای زبان عربی « همزه » میباشد.

ـ « الف» حرکت را نمی پذیرد و همیشه ساکن میباشد. مثلاً: « انسان ـ دار ـ بازار».

ـ حرف « الف » در زبان عربی از حروف ناخوانا و ساکن است و هرگاه متحرک شود آن را « همزه » میگویند.

ـ « همزه » به شکل « ء » بوده ، اکثراً بالای سه حرف « أ ـ ؤ ـ ئ » گذاشته میشود. مثلا: « أُولئِکَ ـ اِنْ یَشَأَ ـ لُؤْ لُؤٌ ـ شَیْئٌ » و بعضاً به تنهایی « ءَاَنْذَرْتَهُمْ » نوشته میشود.

ـ همزه در « آبتدا ، وسط و آخر » قرار میگیرد. مانند: « أَذهَبُ ـ سَأَلَ ـ قَرَأَ » .

ـ همزه حرکات سه گانه « فَتْحَهْ ، کَسْرَه و ضَمَّهْ » را می پذیرد. مثلاً: « إبراهیم ـ أُکتُب ـ اَکرَمَ ـ اَلشَّیء » .

همزه به دو شکل یعنی « همزه ء وصل و همزه قطع » میباشد:

ـ همزه ء وصل: بخاطر وصل کردن دوکلمه، از وسط آنها حذف میگردد. مثلاً :« رَبٌّ العالمین ».
ـ همزه قطع: در وسط دو کلمه واقع میشود و حذف نمیگردد. مثلاً: « فلا أ قسم ».

همزه مفتوحی چیست؟

ـ که قبل از آن الف باشد؛ همه آن را به صورت « ئ » نوشته میشود.
مثلاً: « قرائت، دنائت، برائت».
ـ که قبل از آن حرفی با ضَمَّهْ آمده باشد؛ بر پایه « واو» نوشته میشود.
مثلاً: « مؤدّب، مؤخّر، مؤلّف» .
ـ که قبل از آن حرفی با فَتْحَهْ آمده باشد؛ بر پایه « الف » نوشته میشود.
مثلاً:« متأخّر، مستأصل».

فصل هشتم

حروف حلقی

در الفبای زبان عربی ، برای شش حروف هر کدام : « همزه، هاء، عین، حاء، غین، خاء » حروف حلقی میگویند که از مخرج « حلق » اداء ، تلفظ و یا اظهار میشوند.

حرف حلقی شش بود ای نو عین
حمزه ها و حا و خا و عین و غین

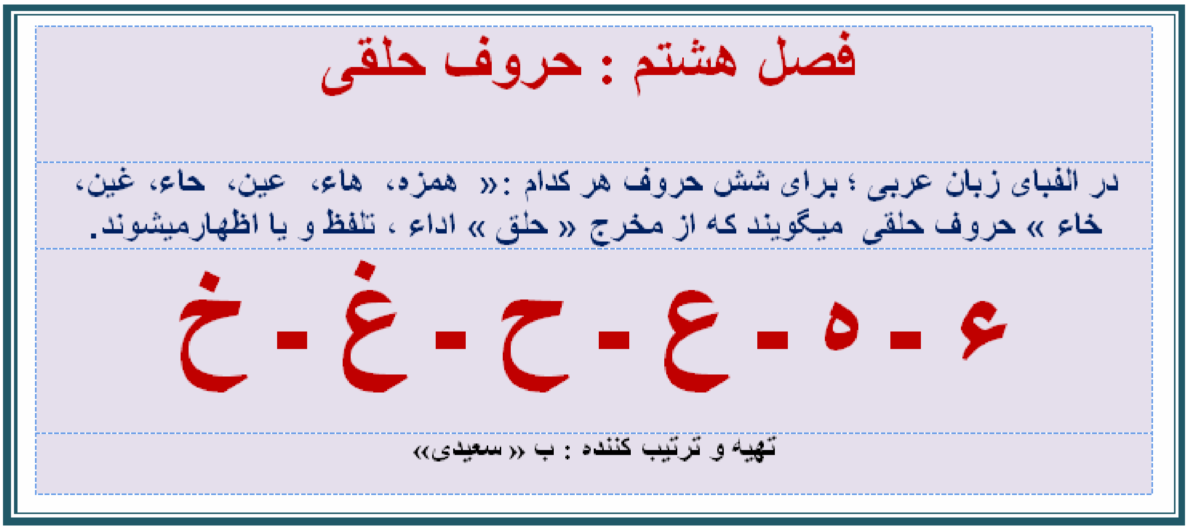

توضیح در مورد حروف حلقی

ـ مخرج حروف حلقی : دو حرف « همزه و هاء » از « انتهای حلق » ، دو حرف « عین و حاء» از « وسط حلق » و دو حرف « غین و خاء » از « نزدیک حلق » ادا و یا تلفظ میگردد.
یادداشت : توضیحات در رابط به حروفی حلقی ، در فصل سوم « تفصیل باب مخارج حروف ».

ـ در قاعدهٔ اظهار: اگر نون « ساکن » قبل از حروف حلقی واقع گردد ، در آین صورت حرف « نون » بدون کدام تغییرو کشش، بلکه بشکل طبیعی ، از مخرج خود اداء یا تلفظ شده و همچنان نه صدای حرف « نون » از بینی خارج میشود و نه هم « غنّه » میگردد.
مثلاً : « مِنهُم ـ أنعَمتَ ـ حَكِيمٌ خَبِير» .

فصل نهم
حروف قطب جد « قلقله »

قلقله به معنی اضطراب، بیقراری، تکان خوردن ویا هم لرزیدن است و درعلم تَجْوید عبارت از حرکت مختصر حروف ساکن ، میباشد.

توضیح در رابطه به قطب جد « قلقله »

قلقله: در لغت تکان دادن را گویند و در اصطلاح تَجْوید ، عبارت از تکان دادن مخرج حرف ساکن در حین اداء کردن، را گویند.

ـ هر زمانیکه پنج حرف الفبای هریک: « قآ ـ طآ ـ بآ ـ جیم ـ دآ » که جمع آن بنام « قطب جد » میباشد، ساکن باشند و یا برای وقف ساکن ساخته شوند، در آن وقت مقداری در مخرج آن میلرزند یا تکان میخورند ، یعنی « قلقله» میشود.

مثلاً : در« ایه ۲۵، سوره البقره » رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ ... در « رُزِقْنَا » حرف « قاف » و در« مِنْ قَبْلُ » حرف « با » ساکن بوده ، چون این دو حرف مربوط به حروف « قطب جد » است ، باید در مخرج آن قلقله صورت گیرد.

قلقله: به سه شکل « قلقلة کبری ، قلقلة وسطی و قلقلة صغری » است و در اخیر کلمه یا وسط کلمه قرار میگیرد، چنانچه در کتاب « حق تلاوت» ، در مورد چنین توضیح داده شده است. « ۱ »

ـ **قلقلة کبری « اکبر » :** موقوف علیه مشدد ، یعنی هرگاه یکی از حروف قلقله در اخیر کلمه واقع شود و بالای آن وقف صورت گیرد، مشروط بر اینکه حرف مذکور مشدد باشد ، آنجا قلقلة کبری صورت می گیرد. مانند: « الحق ، الحج ، وتب » .
ـ **قلقلة وسطی « کبیر» :** موقوف علیه مخفف، یعنی هرگاه یکی از حروف قلقله در اخیر کلمه واقع شود، درحالیکه ساکن باشد یا بر اثر وقف حرکت آن حذف شود، آنجا قلقلة وسطی صورت می گیرد. مانند: « علق ، کسب ، حسد ».
ـ **قلقلة صغری :** موصول علیه ساکن ، یعنی هرگاه یکی از حروف قلقله در وسط کلمه قرار گیرد، مشروط بر اینکه ساکن باشد؛ آنجا قلقلة صغری صورت می َگیرد. مانند: « یدخلون ، قبل ، نقعا ».

۱ـ : فصل هشتم ، صفحه « ۳۴ » کتاب « حق تلاوت » محترم استاد نصرت الله « صاحبی » .

فصل دهم
حروف یرملون

فصل دهم: حروف یرملون

در صورتیکه شش حروف الفبای زبان عربی هریک :
« ی – ر – م – ل – و – ن »
« یآ - راء - میم - لام - واو - نون »
که در یک کلمه بنام « یرملون» یاد میشوند ، بعد از تنوین یا نون ساکن قرار گیرد ، در آن حالت نون ساکن و یا تنوین در حروف یرملون ، ادغام « با غنّه » و یا ادغام « بدون غنّه » میشود.

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

در صورتیکه شش حروف الفبای زبان عربی هر یک : « ی – ر – م – ل – و – ن » که در یک کلمه بنام « یرملون» یاد میشوند ، بعد از تنوین و یا نون ساکن قرار گیرد ، در آن حالت نون ساکن و یا تنوین ، در حروف یرملون ادغام میشود.

یادداشت : در بخش شانزدهم قاعده ادغام ، صفحه « ۳۷ » معلومات مفصل در رابطه به حروف یرملون و قاعده ادغام ، بیان شده که فشرده آن چنین است:

هر گاه بعد از تنوین یا نون ساکن یکی از حروف ششگانه بنام « یرملون » قرار گیرد ، در این حالت نون ساکن یا تنوین در همان حرف ، به دو شکل ادغام میگردد.
مثلاً : ادغام « با غنّه » و ادغام « بدون غنّه » .

ـ ادغام با غُنه : غنّه صوتی است که از بینی « خیشوم » بیرون میاید و هر وقت با چهار حرف « ی - و - م - ن » یعنی « یومن » ؛ بعد از نون ساکن و یا تنوین قرار گیرد ، ادغام « با غنّه » صورت میگیرد . مثلاً : « مَنْ یَشَاءُ ـ مِنْ مَاءٍ ـ مِنْ وَلِیٍّ و غیره » . البته در وقت « غنّه » کردن باید اول، صدا کمی در مخرج بینی استاده « توقف » کرده و بعداً کش و رها شود.

ـ ادغام بدون غُنه: دو حرف هریک: « ر - ل » یعنی « لر » ؛ هرگاه بعد از نون ساکن یا تنوین این دو حرف بیاید در آن صورت ادغام « بدون غنّه » واقع میشود که این ادغام را ادغام کامل میگویند. مثلاً : « من لدنآ ـ مِن ربکُم ».

فصل یازدهم

وقف « توقف »

وقف در اصطلاح ادبیات بمعنی ایستادن ، اندکی درنگ کردن و توقف کردن است و در علم قرائت؛ عبارت است از قطع کردن « صدا ـ آواز » در هنگام قرائت برای تازه کردن نفس و بخاطر ادامه قرائت میباشد.

باید تذکر داد که: اگر در آخیر حروف « آ ـ آِي ـ آو » حرکت « فَتْحَهْ ، کَسْرَهْ و ضَمَّهْ و یا تنوین ـً، ـٍ، ـُـُ / ـٌ » قرار گیرد؛ در آن صورت حرکت پیدا نکرده ، بلکه ساکن تلفظ میشود و همچنان اگر بالای اخیر کلمه تنوین « نون » باشد ، در آن صورت به صدای « آ » تلفظ میشود.

علائم وقف در قرآن کریم

وقف و وصل یکی از ضروریات تلاوت قرآن مجید است و در صورت عدم توجه به این اصل ، معنی آیات تغیر میخورد و همچنان باید تذکر داد که در قرآن مجید ، علائمی وجود دارد که هر کدام « معنی و مفهوم خاصی » دارد. مثلاً :

ـ حرف « م » : وقف الزامی است . « اگر به وصل خوانده شود، بیم تغییر معنی میرود » .
ـ حرف « ز » : وقف مجَوَّز ، وقف جایز است . ولی وصل آن بهتر میباشد.
ـ حرف « لا » : وقف ممنوع است ، نباید وقف کرد صرف در صورت ضرورت.
اگر از روي ناچاری در این محل وقف شود، باید از محل مناسب ما قبل آن ابتداء کرد.
ـ حرف « ص » صلی : وصل کردن ، صلاح است و یا وصل کردن؛ اولی « حق » است.

ـ ط : علامه وقف مطلق است .

ـ صل: وصل کن.

ـ ص: وقف مرخص ، از برای ضرورت.

ـ س : سکته به اندازه دو حرکت است « تنفس در آن قطع نشود » .

ـ قف: وقف مطلق .

ـ قلی: وقف نمودن بهتر است.

ـ صلی: وصل بهتر از وقف است.

ـ حرف « ق » قلی: وقف کردن؛ لازم و یا بهتر است و یا وقف کردن ، اولی « حق » است.

ـ حرف « ج » جلی: وقف جایز است یا جواز طرفین ؛ البته میتوان وقف کنید ویا میتوان وصل کرد.

ـ وقف معانقه (.: .:) : این علامه بر روي دو کلمه نزديك به هم قرار میگیرد ، نباید روی هر دو محل وقف شود ، بلکه فقط در یک محل وقف صورت گیرد.

توضیح در رابطه به وقف

ـ محترم استاد فضل الحق « سلیمانی » در درس « آموزش روخوانی قرآن کریم » خویش، خاطر نشان ساخت که :
وقف معانقه یا سه نقطه (.: .:) علایم وقف است و بالای یکی آن میتوان وقف کرد. اگر روي سه نقطه اول وقف صورت گیرد ، در آن صورت نباید بالای سه نقطه دوم وقف کرد .
ضمناً اجازه است که بالای هیچکدام آن توقف صورت نگیرد و با وصل کردن ، از آن گذشت یا عبور کرد. اما در صورتیکه وقف مینماید ؛ بناً بخاطر اینکه معنی کلمه تغیر نخورد ، بهتر است تا بالای سه نقطه دومی، وقف صورت گیرد.
بطور مثال: « ذَلِكَ الْكِتَابُ لا رَيْبَ.: فيهِ.: هُدًي لِلْمُتَّقينَ » « ایه ۲ ، سوره البقره » « ۱ » .

ـ محترم مولانا اشرف علی تهانوی « رح » در کتاب بنام « جمال القرآن » در رابطه « وقف » چنین نوشته است: « کسی که معنی قرآن را نمی فهمد ، بر همان مکانهایی وقف کند که در قرآن مجید علامتگذاری شده اند.
بدون ضرورت در آنها وقف نکند ، البته در میان آنها « قبل از رسیدن به علامت » نفس قطع شود ، انگاه ناچار و اگر احیاناً بنابر ناچاری وقف کرد ، باید همان کلمه را که بر آن وقف کرده است یا حتی از آن هم بالاتر اعاده کرده با کلمه وصل کند ...

مطلب اول اینکه مواظب باشید که هیچوقت در وسط کلمه وقف نکنید بلکه بعد از ختم کلمه توقف کنید ، دوم اینکه باید بدانید که وقف بر حرکت ، غلط است . « ۲ ».

۱ـ درس شماره ۱۱ « آموزش روخوانی قرآن کریم » محترم استاد فضل الحق « سلیمانی » .
۲ـ کتاب « جمال القرآن » ، صفحه « ۹۷ » محترم مولانا اشرف علی تهانوی « رح » .

فصل دوازدهم

علامت ساکن « سکون »

ساکن در اصطلاح ادبیات بمعنی « بی حرکت ، بی صدا و آرام » و یا عدم حرکت در چیزی است و در علم تَجْوید عبارت از فِقْدانِ حرکت میباشد و به دو شکل ، بالای حرف قرار میگیرد.

فصل دوازدهم : علامت ساکن « سکون »

ساکن نشان از سکون و بی حرکتی است و بالای هر حرفی که قرار بگیرد نشان دهنده آن است که آن حرف از خود هیچ حرکت نداشته و به تنهای خوانده نمیشود ؛ بلکه باید به کمک حرکت حرف « ماقبل » خود ، خوانده شود.

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

توضیح در رابطه به علامت ساکن « سکون »

ـ ساکن نشان از سکون و بی حرکتی است و بالای هر حرفی که قرار بگیرد بیانگر آن است که آن حرف، از خود هیچ حرکت ندارد.

ـ ساکن به تنهائی خوانده نمیشود ، بلکه باید با کمک حرکت حرف « ماقبل » خود ، خوانده شود.

مثلاً : در « غَیْرِالْمَغْضُوبِ » حرف « یا ـ لام و غین » علامت ساکن « صفر » دارد که در این حالت حرف « یا » با حرکت فَتْحَهْ حرف « غین » خوانده شود و به همین ترتیب حرف ساکن « لام » با حرکت کَسْرَهْ « راء » و حرف ساکن « غین » با حرکت فَتْحَهْ حرف « میم » خوانده شود.

ـ اگر بالای پنج حرف قطب جد « ق ـ ط ـ ب ـ ج ـ د » علامت ساکن قرار بگیرد ، از مخرج همان حرف ، صدا رها شده و کمی لرزش کوتاه « قلقله » میشود و در متباقی « 23 » حروف الفبای زبان عربی ، صدا قطع میشود.

ـ هرگاه در یک کلمه دو ساکن پشت سر هم قرار گیرد در آن صورت برای ساکن اول؛ حرکت کَسْرَهْ داده شده و خوانده میشود.
مثلاً : « هُوَ خَیْرٌ اهْبِطُوا » حرف تنون نون « راء » ساکن و حرف « الف » هیچ حرکت ندارد از حروف ناخوانا است و حرف « هْ » نیز ساکن است. که به این ترتیب حرف« هـ و ن » دو ساکن میباشد. بناً در این حالت برای حرف تنوین « راء » حرکت کَسْرَه داده شده و خوانده میشود.

فصل سیزدهم

علامت تشدید « شدت و یا مشدد »

تشدید : در اصطلاح ادبیات زبان بنام « قوی کردن » است و بالای هر حرف که قرار گیرد، آن حرف باید دوبار « مشدد » تلفظ شود.

توضیح در مورد تشدید یا « مشدد »

ـ تشدید از « شدت و یا بیشتر شدن » گرفته شده ، معمولآ با علامت « فَتْحَهْ، کَسْرَهْ و ضَمَّهْ » میباشد و بالای هر حرف که قرار بگیرد؛ آن حرف باید « دوبار » سخت و به شدت خوانده شود.

ـ تشدید یک بار با کمک « حرکت ماقبل» و یکبار با « حرکت خود » ؛ خوانده میشود. مثلآ: اصل کلمه « ربب » است. ولی بخاطر زیبایی در مصف قران کریم ، به عوض دو حرف « باء » یک حرف « باء » با علامت تشدید گذاشته میشود. البته حرف اولی ساکن میباشد و حرف دومی حرکت ، دارد. مثلاً: رَبِّ الْعَالَمِينَ « ربْبَ ».

ـ تشدید اگر در یک کلمه؛ يك حرف دوبار در کنار هم قرار گیرد. مثلآ: « ربْبَ » که اولی «ساکن» و دومی « متحرك » باشد ، در آن صورت حرف اول را کم کرده و بالای حرف دوم علامت تشدید « رُبَّ » گذاشته میشود.

ـ تشدید نمایندگی از دو حرف مشترک « دو حرف هم شکل و هم مثل » میکند که اولی ساکن و دومی متحرک بوده و به کمک حرکت « ما قبل » خوانده میشود.
یعنی :« اولی در دومی، ادغام میشود و یا به عبارت دیگر ؛ برای خواندن تشدید از آخرین حرکت ماقبل کمک گرفته شود.
بگونه مثال: درکلمه « رَبْبَ »؛ حرف « بْ » اول ساکن و حرف « بَ » دوم حرکت فَتْحَهْ دارد.

ـ اگر بالای حرف « میم و نون» تشدید باشد با غنّه ، تلفظ میشود. مثلاً « كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ».

ـ تشدید اگر در ابتداء ایه قرار بگیرد، خوانده نمیشود و صرف حرکت تشدید قابل تلفظ میباشد. اما درصورتیکه اگر آخیر ایه ماقبل ، به شروع آیه وصل گردد؛ در آن وقت تشدید قابل خواندن میباشد.

فصل چهاردهم

احکام « نون ساکن و تنوین »

١ـ نون ساکن:

ـ نون ساکن: نونی را گویند که حرکت « فَتْحَهْ ، كَسْرَهْ و ضَمَّهْ » یعنی « زبر، زیر و پیش » نداشته و در وسط و یا در آخر « اسم و یا فعل » واقع میشود.

فصل چهاردهم : احکام « نون ساکن و تنوین »

نون ساکن : در« وسط و آخر کلام » می آید و در « وصل و وقف » نوشته می شود. مانند : « لَانفَضُوا ـ مِنهُم ـ ءَامِن ـ يَنظُرُاليك ـ نَقُولَ له كن » .

نْ ـ « يَنْئَوْنَ ، يُنصَرُونمِن »

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی »

فرق در بین « نون ساکن و تنوین »

ـ نون ساکن : در لغت « نون » خالی از حرکت را گویند و در اصطلاح تجوید ، « نونی » را گویند ، که سکونش در حالت « وقف و وصل » و همچنان در « لفظ و در خط » ثابت ، باشد. ولی تنوین فقط در « لفظ » است، نه در « خط » و همچنان نون ساکن ، همیشه « غنَه » میشود.

ـ نون ساکن : به شکل « فَمَنْ » نوشته می شود. اما نون تنوین : نوشته نمی شود؛ بلکه بجای آن « دو فَتْحَهْ ، دو كَسْرَهْ و دو ضَمَّهْ » نوشته « گذاشته » می شود.

ـ نون ساکن: در حالت « وقف و وصل » خوانده میشود مانند : « يَنْئَوْنَ ـ فيقول ربی اکرَمن ـ وَ مَن قَالَ سَأنزل » اما نون تنوین تنها در حالت« وصل » خوانده میشود مانند: « آ حَدً » .

ـ نون ساکن: در« اسم ، فعل و حرف » می آید مانند: « انفسهم يُنصَرُونَمِن » ، مگر نون تنوین صرف در اسم قرار میگیرد: « عَـذَابٌ ».

ـ نون ساکن: همیشه در « وسط و آخر » کلمه می آید ، مانند : « يَنْئَوْنَ » « فَمَنْ » اما نون تنوین صرف در « آخیر » کلمه می آید . مانند: « عَـذَابٌ ».

ـ نون ساکن: در مجاورت با هر یک از حروف الفبا که پس از آن واقع شوند، یکی از چهار حکم زیر را پیدا می کند: « ۱ـ اظهار ۲ـ ادغام ۳ـ إقلاب ۴ ـ اخفاء ».

۲ـ انواع تنوین:

ـ تنوین: نون ساکن است که تنها در آخیر « اسم » واقع شود ، ولی نوشته نمی شود و به عوض آن از علایم « دو زبر ، دو زیر و دو پیش » « ـً ـٍ ـٌ » استفاده بعمل میاید .

ـ تنوین: فقط در آخیر بعضی از کلمه میاید که خوانده میشود، ولی بشکل « نون » نوشته نمیشود، البته در میان کلام تلفظ میشود . اما در حالت وقف، حذف میگردد.

باید خاطر نشان ساخت که: تنوین ها ترکیبي از يك حركت كوتاه و يك « نون» سکون دار میباشند. مثلآ: « کِتاباً ـ کِتابٍ ـ کِتابٌ ».

ـ تنوین: در لفظ از حرف « نون » گرفته شده و یعنی آوردن « ن » به شکل « دو فَتْحَهْ ، دو کَسْرَهْ و یا دو ضَمَّهْ » میباشد.

ـ برای خواندن تنوین ، از علامت حرف قبلی استفاده شده و صدای « نون » ساکن بالایش اضافه میشود. مثلآ: اصل « رَجُلَنْ » بوده و در مصف به شکل ذیل : « رَجُلاً » نوشته و خوانده میشود.

ـ تنوین: نون ساکنی است که در آخر برخی از کلمات نوشته میشود ، ولی خوانده نمیشود که به « سه گونه » است:

ـ تنوین « نَصْب »: دو فَتْحَهْ است که « بالای» حرف قرار میگیرد. مثلاُ: « رَجُلاً » خوانده میشود و در اصل « رَجُلَنْ » میباشد.

ـ تنوین « جَرّ »: دو کَسْرَهْ است که در « زیر » حروف قرار میگیرد. مثلاُ: « خُسْرٍ » خوانده میشود و در اصل « خُسْرِنْ » میباشد.

ـ تنوین « رَفْعْ » : دو ضَمَّهْ است که بالای حرف قرار میگرد. مثلاً : « حَبْلٌ » خوانده میشود و اصل آن « حَبْلُنْ » میباشد.

ـ نون ساکن و تنوین : در حروف حلقی « اظهار» ، در حروف یَرمَلون « ادغام » و در حرف « ب » اقلاب « قلب به میم » ودر متباقی حروف الفبای زبان ، اخفاء میگردد، چنانچه سروده اند:

تنوین و نون ساکنه حکمش بدان ای هوشیار

کز حکم آن زینت بود اندر کلام کردگار

در حرف حلق اظهار کن، در یرملون ادغام کن

در حرف باء قلب به میم ، در مابقی اخفا بیار

فصل چهاردهم: احکام « نون ساکن و تنوین »

قاعدهٔ « اظهار، ادغام، اقلاب و اخفاء »

نون ساکن و تنوین : در حروف حلقی « اظهار» ، در حروف یَرمَلون « ادغام » و در حرف « باء » اقلاب « قلب به میم » و در متباقی حروف الفبای زبان، اخفاء میگردد.

شماره	قاعدهٔ	تعریف	مثال
۱	اظهار	نون ساکن و تنوین: در حروف حلقی « ء ـ ه ـ ع ـ ح ـ غ ـ خ » بدون تغیر، اظهار میشود.	مِن أمرِهِم
۲	ادغام	نون ساکن وتنوین: در حروف یرملون « ی ـ ر ـ م ـ ل ـ و ـ ن » با غنّه و بی غنّه ادغام میگردد .	مَن یشاء
۳	اقلاب	اگر بعد از حرف نون ساکن و یا تنوین ، حرف « بآ » قرار گیرد، آن حرف ساکن به حرف « میم » تبدیل یا اقلاب میشود. « البته با غنّه دو حرکت».	مِنْ بَعْدِ میثاقِهِ
۴	اخفاء	نون ساکن و تنوین: در« پانزده حروف» متباقی الفبای اخفا شده و صدا در بینی کمی کشش پیدا میکند.	إنْ کُنْتُمْ صَادِقِین

حروف قطب جد: « قآ ـ طآ ـ بآ ـ جیم ـ دآ » اگر ساکن باشند و یا برای وقف ساکن ساخته شوند، در آن وقت مقداری درمخرج آن میلرزند یعنی« قلقله» میشود. مثلا:« رُزِقنَا مِن قَبْلُ».

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

ـ تنوین « اً »: در حالت وقف ، تبدیل به « آ » میشود و در حالت وصل ؛ یکی از احکام چهارگانه « ۱ ـ اظهار ۲ ـ ادغام ۳ـ اِقلاب ۴ ـ اخفاء » تطبیق میشود.

ـ نون : حرف نون در مصف قرآن کریم ، اگر علامت سکون « نْ » داشت از مخرج خود با صدای « نون » اظهار میشود و اگر علامت سکون نداشت ، در آن صورت صدای آن مخفی « اخفا » شده و از مخرج بینی خارج میشود.

ـ تنوین: اگر در مصف قرآن کریم ، علامت تنوین « اً» ، هر دو سربرسر گذاشته شده بود ، در آن حالت نون ، اظهار میشود و اگر تنوین بشکل جدا و فاصله دار گذاشته شده ؛ تنوین اخفا میشود.

فصل پانزدهم

قاعدۀ اظهار

اظهار در اصطلاح ادبیات به معنی « ظاهر کردن، اشکار کردن ، پدیدار کردن و بیان کردن » است و درعلم تَجْوید عبارت از اداء و یا تلفظ حرف از مخرج اصلی ، آن میباشد.

قاعدۀ اظهار: اگر نون ساکن و یا تنوین قبل از حروف حلقی ششگانه هر کدام : « ه ـ ء ـ ع ـ ح ـ غ ـ خ » قرار گیرد ، در آن صورت حرف نون ساکن و یا تنوین ، بدون کدام تغییری از مخرج اصلی خود اداء و یا تلفظ میگردد.

بطور مثال: « مِن أمرِهِم ـ مِنهُم ـ أنعَمت ـ حَكِيمٌ خَبِير ـ سَمِيعٌ عَلِيم ـ حَكِيمٌ حَمِيد ».

فصل پانزدهم: قاعدۀ اظهار

اظهاردر اصطلاح ادبیات به معنی « ظاهر کردن ، اشکار کردن ، پدیدار کردن و بیان کردن » است و درعلم تجوید عبارت از اداء و یا تلفظ حرف از « مخرج » اصلی، آن میباشد.

حروف حلقی: « ه ـ ء ـ ع ـ ح ـ غ ـ خ »

	نون ساکن	تنوین
ه	مِنْهُمْ	جُرُفٍ هَار
ع	مَنْ عمل	حقيقٌ على

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

توضیح در مورد قاعدۀ اظهار

ـ در قاعدۀ اظهار: اگر نون ساکن و یا تنوین به حروف حلقی قرار گیرد ، در آین صورت حرف « نون » بدون کدام تغییری شکل ، از مخرج خود اداء یا تلفظ شده وهمچنان نه صدای حرف « نون » از بینی خارج میشود و نه هم « غنّه » میگردد.

ـ در قاعدۀ اظهار: نون « ساکن » در یک و یا دو کلمه جداگانه قرار میگیرد ، در حالیکه نون ساکن در قاعدۀ ادغام ؛ باید در دو کلمه جداگانه باشد.

فصل شانزدهم

قاعدهٔ ادغام

قاعدهٔ ادغام : ادغام در لغت بمعنی داخل کردن و در اصطلاح علم تَجْوید؛ هر گاه بعد از نون ساکن و یا تنوین یکی از حروف ادغام واقع شود ، در آن وقت نون ساکن و یا تنوین بدون کدام تغییر شکل، در حرف ادغام « یرملون » داخل میشود.

فصل شانزدهم: قاعدهٔ ادغام

قاعدهٔ ادغام: ادغام در لغت بمعنی داخل کردن و در اصطلاح علم تجوید؛ هر گاه بعد از نون ساکن و یا تنوین یکی از حروف ادغام واقع شود، در آن وقت نون ساکن و یا تنوین بدون کدام تغییر شکل، در حرف ادغام « یرملون » داخل میشود.

حروف یرملون : « یاء - راء - میم - لام - واو - نون »

تنوین	هُدًى لِّلْمُتَّقِين - غَفُورٌ رَّحِيمٌ - خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّارِبِين
نون ساکن	مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللهِ - مِنْ رَّبِّهِمْ - مِنْ مَالِ الله

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

توضیح در رابطه به قاعدهٔ ادغام

ـ حروف ادغام : شش حرف هریک : « ی – ر – م – ل – و – ن » حروف ادغام بوده که بنام « یرملون » نیز یاد میشود.

ـ قاعدهٔ ادغام : هر زمانیکه نون ساکن و یا تنوین ، در یک کلمه و حرف « یرملون » در دیگر کلمه قرار گرفت، در آن صورت نون ساکن و یا تنوین تلفظ و یا خوانده نمیشود ، بلکه آن حرف نون ساکن، به حرف « یرملون » که در کلمه دوم قرار دارد ، تبدیل میگردد.

ـ شرط قاعدهٔ ادغام آن است که « نون ساکن و یا تنوین » در دو کلمه جداگانه قرار گیرد.
بطورمثال: « هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ».

ضمناً باید تذکر داد که: نون ساکن در این چهار کلمه « دُنیا ، بُنیان ، قِنْوان ، صِنْوان » استثنائی بوده و در این حالت صرف قاعدهٔ « اظهار » صورت میگیرد.

ـ اگر نون ساکن و حرف ادغام در یک کلمه قرار گیرد در آن صورت ادغام نمیگردد.

ـ اشکال ادغام : هر گاه بعد از تنوین یا نون ساکن ، یکی از حروف ششگانه بنام « یرملون » قرار گیرد ، در این حالت نون ساکن یا تنوین در همان حرف ، به دو شکل ادغام میگردد.
مثلاً: ادغام « با غنّه » و ادغام « بدون غنّه ».

ـ ادغام با غنّه: غنَه صوتی است که از بینی « خیشوم » بیرون میاید و هر وقت با چهار حرف « ی ـ و ـ م ـ ن » یعنی « یومن » ، بعد از نون ساکن و یا تنوین قرار گیرد ، ادغام « با غنه » صورت میگیرد . مثلاً : « مَن یشاء ـ مِن ماء ـ من ولی و غیره ».
البته باید تذکر داد که : ادغام کامل غنّه دار برای دو حرف « میم و نون » میباشد وهمچنان هنگام ادغام باید « مد » آن به اندازه ی دو حرکت کشیده شود. مثلاً : « مِن نَّفْعِهِمَا ـ مِن ماء » .

ـ ادغام بدون غنّه: دو حرف هریک: « ر ـ ل » یعنی « لر » ، هرگاه بعد از نون ساکن یا تنوین این دو حرف بیاید در آن صورت ادغام « بدون غنّه » واقع میشود که این ادغام را ادغام کامل میگویند . مثلاً: « من لدنا ـ مِن ربکُم ـ وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْراً عَظِيماً ـ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ».

۱ـ تبدیل تنوین به قاعدۀ ادغام: هُدًى لّلْمُتَّقِينَ « سوره البقرة ، ایه ۲ ».

ـ حرف « هُـ » ضَمَّهْ ، حرف « دً » تنوین یعنی از دوحرف « د ـ ن » تشکیل شده ، حرف « ی » از جمله حروف ناخوانا است « خوانده نمیشود » و حرف « لّ » تشدید « مشدد » یعنی دو حرف « ل ـ ل » دارد و از حروف « یرملون » است ، که به این ترتیب با هم خوانده میشود.

ـ حرف « هُـ » باید با حرف « دً » و حرف « د » با حرف « ن ساکن » به همین ترتیب با حرف « ی » و حرف « ی » باید با حرف « ل » و ... خوانده شود.
در این صورت : چون حرف « ی » حرکت ندارد و از جمله چهار حروف ناخوانا « و ـ ا ـ ل ـ ی » بنام « والی » است ، بناً خوانده نمیشود و حرف « د » باید با تنوین « نون » خوانده شود.

ـ چون حرکت حرف « لّ » تشدید دارد و تشدید باید یکبار با حرکت ما قبل خود یعنی حرف « ی» خوانده شود ، چون حرف « ی» حرکت ندارد ، بناً باید با حرف « نون ساکن » خوانده شود.
ـ از اینکه حرف « د » تنوین « ن » دارد و متعاقباً حرف « ل » امده ، و حرف « ل » از جمله شش حرف یرملون « ی ـ ر ـ م ـ و ن » است ؛ در این صورت تنوین « د » حرکت تنوین « نون » خود را از دست داده و تبدیل به حرف یرملون « ل » میشود . مثلاً : « هُ ـ « هدن » ـ هدل »

همچنان باید افزود: چون حرف « ل » تشدید دارد یعنی « اولی ساکن و دوم حرکت دارد » به این اساس حرف ساکن تشدید باید یکبار با حرکت ما قبل و یکبار با حرکت خود « ل » خوانده شود.

مثلاً : « هُدًى لّلْمُتَّقِينَ » به شکل ذیل است : تنوین « د » که حرف « نون » ساکن است به حرف « ل » تبدیل میشود به این حالت سه « ل » تشکیل میشود مثلاً:« هُد لللَمُتَّقِينَ ».

۲ـ تبدیل نون ساکن به قاعدۀ ادغام : « مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ ، سوره البقرة ، ایه ۸».

ـ حرف « م » حرکت فَتْحَهْ ، حرف « نْ » ساکن و حرف « یا » حرکت فَتْحَهَ دارد.
ـ حرکت حرف « م » باید با حرکت حرف « ن » خوانده شود ، چون حرف « ن » حرکت ندارد و ساکن است و ساکن خود با حرکت ماقبل خود خوانده میشود و از جانب هم بعد از آن حرف « یاء » آمده و مربوط به حروف یرملون است ، بناً باید قاعده ادغام صورت گیرد.

ـ در قاعده یرملون: « نون » ساکن تبدیل به حرف « یا » شده در این حالت باید دو « یاء » که اولی ساکن و دومی فَتْحَهْ دارد ، تشکیل شود . بناً « یاء » ساکن به کمک حرکت حرف« میم » و حرف « یاء » دوم به حرکت خود ، مستقل خوانده شود.

مثلاً : « مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ » ، حرف« نون» ساکن تبدیل به حرف « یا ء » شده و « یاء » مشدد پیدا کرده و به دو« یا ء» بشکل ذیل: « مَييَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ » تبدیل شده و قاعده ادغام صورت میگرد.

فصل هفدهم

قاعدۀ اقلاب « قلب به میم »

اقلاب« قلب به میم » : در اصطلاح ادبیات تغیر ویا تبدیل کردن را گویند و در علم تَجْوید عبارت از تبدیل حرف « نون ساکن و نون تنوین » به حرف « میم » است . البته در صورتیکه بعد از آنها حرف « بآ » قرار داشته باشد.

فصل هفدهم: قاعدۀ اقلاب « قلب به میم »

در قاعدۀ « نون ساکن »: اگر حرف « بآ » بعد از « نون ساکن » قرار داشته باشد درآن صورت « نون ساکن » به حرف « میم » تبدیل میشود . بطور مثال: مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ...به « مم بَعْدِ مِيثَاقِهِ » تبدیل میشود و قاعده اقلاب صورت میگرد.

	نون ساكن	تنوين
ب	أَنْ بُورِكَ	سَمِيعٌ بَصِيرٌ
ب	مِنْ بَعْدِ	شَهِيدٌ بَيْنِي
ب	يُؤْمِنْ بِاللهِ	زَوْجٍ بَهِيجٍ

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

توضیح در رابطه به قاعدۀ اقلاب

ـ اگر بعد از حرف نون ساکن و یا تنوین ، حرف « بآ » قرار گیرد، آن حرف ساکن به حرف « میم » تبدیل میشود. مثلآ: در زبان ادبیات دری « زنبور » نوشته شده و« زمبور» خوانده میشود.

ـ در قاعدۀ اقلاب، مخرج « میم » همرای « بآ » و مخرج « میم » همرای « نون » در « غنّه » مشترک بوده و همچنان در صورتیکه بعد از نون ساکن و یا تنوین، حرف « ب» بیاید در آن حالت آن حرف به حرف « میم » تبدیل شده و « غنّه » میشود. مثلاً:

ـ در قاعدۀ « نون ساکن »: اگر حرف « بآ » بعد از « نون ساکن » قرار داشته باشد در آن صورت « نون ساکن » به حرف « میم » تبدیل میشود . بطور مثال : مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ...به « مم بَعْدِ مِيثَاقِهِ » تبدیل میشود و قاعده اقلاب صورت میگرد.

ـ در قاعدۀ « نون تنوین »: أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا ... به « أَلِيممٌ بِمَا كَانُوا » تبدیل میشود و قاعده اقلاب صورت میگرد . مثلاً : « أَلِيمٌ » به این شکل « أَلِيمن » است ، چون بعد از آن حرف « بآ » قرار دارد باید قاعده اقلاب صورت گیرد که به این ترتیب حرف « نون » به حرف « میم » تبدیل میشود و بشکل دو « میم » با « غنّه » دو حرکت ، خوانده شود. مثلاً: « أَلِيمم ».

ـ در بعضی از مصحف قرآن کریم ؛ علامت « م » کوچک ، در بالا و یا پائین نون ساکن و تنوین گذاشته میشود ، که هدف از آن انجام دادن قاعده اقلاب میباشد.

فصل هژدهم

قاعدهٔ اخفاء

اخفاء: در اصطلاح ادبیات به معنی « خفیف ، پوشاندن و مخفي کردن » است و در اصطلاح علم تَجْوید؛ پنهان یا اخفاء کردن صدای نون ساکن یا تنوین در مخرج خیشوم « راه تنفسی بینی »، به اندازه « دو حرکت » میباشد.

فصل هژدهم: قاعدهٔ اخفاء

هر وقتیکه بعد از نون ساکن یا تنوین ، حروف سه قاعدهٔ هریک: حروف حلقی « قاعدهٔ اظهار»، حروف یرملون « قاعدهٔ ادغام » و حرف « بآ » « قاعدهٔ اقلاب» قرار نداشته باشد؛ درآن حالت قاعدهٔ چهارم بنام « قاعدهٔ اخفاء » با متباقی « پانزده حروف» الفبای عربی، صورت میگیرد. مثلاً : « إنْ كُنْتُمْ صَادِقِين »

	نون ساکن	تنوین
ص	يَنْصُرْكُمْ	رِيحًا صَرْصَرًا
ض	مَنْ ضَلَّ	قَوْمًا ضَالِّين
ط	انْطَلِقُوا	حَلالًا طَيِّبًا

تهیه و ترتیب کننده : ب « سعیدی»

توضیح در رابطه به قاعدهٔ اخفاء

ـ هر وقتیکه بعد از نون ساکن یا تنوین ، حروف سه قاعدهٔ هریک: حروف حلقی « قاعدهٔ اظهار»، حروف یرملون « قاعدهٔ ادغام » و حرف « بآ » « قاعدهٔ اقلاب » قرار نداشته باشد ؛ در آن حالت قاعدهٔ چهارم بنام « قاعدهٔ اخفاء » با متباقی « پانزده حروف» الفبای عربی ، صورت میگیرد.

ـ در قاعدهٔ اخفاء : نون « ساکن » با مثل قاعدهٔ اظهار در یک و یا دو کلمه جداگانه ، قرار میگیرد ، در حالیکه نون ساکن در قاعدهٔ ادغام ؛ باید در دو کلمه جداگانه باشد.
مثلاً : « مِن تأویل ـ مِن قال ـ مَن ضَل ـ اَنتم ـ المنصورون ـ مَنضود ـ اَنفُسَهُم ـ غُلاماً زکیا » .

ـ در قاعدهٔ اخفاء : صدای « نون » بدون اینکه از دهن خارج شود ، از مخرج بینی اداء شده و به صدا « نون » در بینی کمی کشش داده شده و متعاقباً حرف بعدی آن تلفظ میشود.

مثلاً : در « إنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ... ایه ﴿۳۱﴾ سوره ۲: البقرة » : چون بعد از حرف نون ساکن ، حرف « کاف » قرار دارد و حرف « کاف» مربوط به قاعدهٔ « اظهار ، ادغام و یا اقلاب » نیست ، در این حالت باید قاعدهٔ چهارم یعنی « اخفاء » صورت گیرد . یعنی صدای حرف نون ساکن بدون کدام تغیر از مخرج دهن نه ، بلکه از مخرج بینی با صدای کمی کشیده خارج شود . و همچنان باید خاطر نشان ساخت که : همین قاعدهٔ بعد از حرف « کاف » با نون ساکن و حرف « تاء » نیز قابل اجرا بوده و قاعدهٔ اخفاء صورت میگیرد.

فصل نزدهم

أحکام « میمْ » ساکن

حرف م « میم » از جمله بیست و هشت حروف الفبای زبان عربی است ؛ که مخرج آن ما بین « دو لب » بوده و بنام حروف « شفوي، لبی » نیز نامیده میشود و درعلم تجوید ؛ داری سه قاعده « ادغام ، اخفاء و اظهار » میباشد.

اِدغام:

ـ وقتیکه بعد از حرف « میم » ساکن ؛ حرف « میم » متحرک بیاید ، در آن وقت قاعده ادغام صورت میگیرد . مثلاً: « آمَنَهُمْ مِنْ ».

توضیح : هر گاه بعد از حرف « میم ساکن » ، حرف « میم متحرك » ، البته در« يك كلمه و يا در دو كلمه » واقع گردد در آن صورت ، « میم ساکن » در « میم متحرك » مشدد شده و صدای « غنّه » را هم تشكيل ميدهد كه اين قاعده را بنام قاعده ادغام لبی و یا ادغام « متماثلين » نیز میگویند.

اِخفاء:

ـ وقتیکه بعد از حرف « میم » ساکن ، حرف « با » متحرک بیاید در آن وقت قاعده اخفاء صورت میگیرد. مثلاً: « تَرْمِیهِمْ بِحِجَارَةٍ ».

توضیح : در این حالت یعنی لب‌ها به یک دیگر نمی چسپد بلکه به مقدار خیلی کم باز میماند و حرف « میم » تلفظ نمیشود و تنها صدای غنّه ، همراه با مقداری مکث بر روی آن اداء میشود. مثلاً: « فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ ـ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ ».

اِظهار:

ـ وقتیکه بعد از حرف « میم » ساکن ، به عوض حرف « میم و با » دیگر حروف الفبای قرار گیرد ، قاعده اظهار صورت میگیرد.

توضیح : در این حالت حرف « میم » به شکل طبیعی خود تلفظ میگردد که آن را قاعده اظهار « شفوی » نیز میگویند. مثلاً: « فیکم رسولاً علیکم شهیداً ـ لکم دینکم ».

محترم استاد موسوی « بلده » در « آموزش تجوید قرآن » در رابطه به احکام « میم » چنین توضیح کرد. « ۱ » .

ـ هر گاه بعد از حرف میم ساکن، خود حرف « میم » تکرار شود ، حرف « میم » اول ، خوانده نخواهد شد و « میم » دوم با شدت تلفظ میشود که به آن ادغام حرف « میم » میگویند .
مانند: « كَم مِن » كه تلفظ می شود: « كمّن ».

ـ تلفظ حرف « میم » در تلاوت قرآن کریم و در بحث تجوید، اخفاء میم ساکن است. این حرف زمانی اخفاء میشود که به حرف « ب » برسد .
برای اینکه اشتباه نکنیم حرف « نون » که به حرف « ب » میرسید، قلب به « میم » می شد، اما در این حالت حرف « میم » به حرف « ب » رسیده است.
در اینجا میگویند حرف « میم » اخفاء شده است، یعنی صدای آن مخفی میشود، مثل آن قضیه حرف « نون » که اخفاء میشد.
برای اینکه حرف « میم » اخفاء شود مقداری لب‌ها را باز نگه دارید، در حدی که یک ورق نازک کاغذ از آن عبور کند و بعد از آن صدا را از داخل بینی عبور دهید.

ـ تلفظ حرف « میم » در تجوید، زمانی است که این حرف به سایر حروف الفبای عربی برسد.
« میم » ساکن در نزد سایر حروف ظاهر میشود و تلفظ خودش را دارد .

باید خاطر نشان ساخت که : در کتاب « جمال القرآن » محترم مولانا اشرف علی تهانوی « رح » در رابطه به « احکام میم ساکن و مشدد » چنین نوشته است: « ۲ » .

قاعدۀ ۱: میم اگر مشدد باشد در آن « غنّه » ضروری است مانند : « لَّما » و در این حالت آن را حرف « غنّه » می نامند ، « غنّه » یعنی بردن آواز در بینی.

قاعدۀ ۲: مقدار غنّه یک الف است و آسان ترین طریقه دانستن مقدار الف این است که انگشت بسته ای را باز کنند ، یا انگشت باز را ببندند و این فقط یک تخمین است و در اصل ، معیار شناخت آن بستگی دارد به آموختن از استاد با تجربه.

قاعدۀ ۳ ادغام صغیر مثلین : میم اگر ساکن باشد ، باید دید که حرف بعد از آن چیست؟ اگر بعد از آن میم دیگری باشد ، ادغام می شود یعنی هر دو میم یکی شده و مانند یک میم مشدد در آنها غنّه می شود مانند : « اِلَیکم مرسلون » این را « ادغام صغیر مثلمین » می گویند.

ـ اِخفای شفوی : هرگاه بعد از میم ساکن حرف « ب » باشد در آن صورت به همراه غنّه اخفاء هم می شود و معنی این اخفاء آن است که هنگام ادای آن ، قسمت خشکی هر دواب را با کمال نرمی باهم وصل کرده صفت غنّه را به قدر یک الف امتداد داده از خیشوم ادا کند ، سپس پیش از جدا شدن لبها قسمت تری هر دولب را با سختی وصل کرده حرف « ب » اداء شود.
مانند : « مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللّهِ » و این را « اخفای شفوی » می نامند .

هرگاه بعد از میم ساکن غیر از « میم و با » حرفی دیگری بیاید ، میم اظهار می شود ، یعنی از مخرج خود بدون غنّه ظاهر کرده می شود . مانند : « انعمت » و این را « اظهار شفوی » می نامند.

۱ـ کتاب « آموزش تجوید قرآن » : محترم استاد موسوی « بلده ».
۲ـ کتاب « جمال القرآن » : محترم مولانا اشرف علی تهانوی « رح » .

فصل بیستم

احکام حروف « راء »

اگر بالای حرف « راء » حرکت « فَتْحَهْ و یا ضَمَّهْ » قرار گیرد؛ در آن صورت حرف راء « پر » یعنی « تفخیم » و اگر حرکت « کَسْرَه » داشت ، در آن حالت حرف راء « نازک » یعنی « ترقیق » تلفظ میباشد.

قابل تذکر است که : در رابطه طرز تلفظ حرف « راء » قواعد و شرایط از طرف علما و استادان علم تجوید توضیح و تشریح شده ، که در مورد مختصراً نگاشته میشود.

محترم مولانا اشرف علی تهانوی« رح » در کتاب « جمال القرآن » چنین نوشته است: « ۱ » .

قاعدهٔ ۱: اگر حرف « راء » حرکت زبر یا پیش داشته باشد آن را با « تفخیم » یعنی پر حجم می خوانند مانند : ربّک ـ ربمّا و اگر حرکت زیر داشته باشد آن را با « ترقیق » یعنی باریک می خوانند ، مانند : رجال.

نکته : « راء » مشدد نیز یک « راء » محسوب می شود ، لذا ؛ حرکت خود او را اعتبار کرده پر یا بارک می خوانند ، ولی نا گاه آن را دو « راء » به شمار می آورند . اولی را ساکن و دومی را متحرک می پیندارند و این اشتباه است .

قاعدهٔ ۲: اگر حرف « راء » ساکن باشد ، حرف ماقبلش را نگاه می کنند که دارای چه حرکت است، اگر حرکت زبر یا پیش داشته باشد آن را پر می خوانند، مانند : « بَرقُ ـ یُرزقون » و اگر حرکت زیر داشته باشد باریک خوانده می شود مانند : « انذرهم » اما ؛ باریک خواندن « راء » در این صورت سه شرط دارد.

قاعدهٔ ۳ : اگر حروف ما قبل « راء » ساکن نیز باشد (و این در حالت وقف ممکن است ، چنانکه از مثالها واضح می شود) انگاه ماقبل آن حرف را باید نگاه کرد ، اگر حرکت زبر یا پیش دارد ، « راء » پر خوانده می شود مانند : « لَیلةُ القدرِ ـ بکُمُ العُسْر ».

در این دو مثال « راء » ساکن و حرف ماقبلش « دال و سین » هم ساکن هستند ، و قاف صدای زبر و عین صدای پیش دارد ، لذا حرف « راء » در این دو کلمه پر خوانده می شود .
و اگر آن حرف ماقبل ، صدای زیر داشته باشد ، « راء » باریک خوانده می شود . مانند : « ذِی الذِکر » در این مثال حرف « راء » ساکن و کاف هر دو ساکن هستند و حرف « ذال » زیر دارد ، لذا « راء » باریک خوانده می شود.

نکته : اگر حروف ساکنی که قبل از « راء » قرار دارد ، حرف « یاء » باشد در آن صورت ، حرف قبل از « یاء » هر نوع حرکتی داشته باشد ، تاثیری نمی کند و در هر حال « راء » باریک خوانده می شود، مانند: « خَیْر ـ قَدِیر ».

قاعدهٔ ۴: در قرآن مجید ، یک مورد بعد از « راء» ، « اماله » خوانده می شود، در آن جا حرکت « راء » کسره تصور کرده می شود و « راء » باریک خوانده می شود و آن یک مورد عبارت است از : « بسم الله مجریها » این « راء » مانند رای کلمه « رّیحان » خوانده می شود و این گونه خواندن را « اماله » می نامند و در فارسی « یای مجهول » می گویند.

قاعدۀ ۵: « راء » هرگاه به سبب وقف ، ساکن شود بدیهی است که برابر قاعده شماره دو و سه ، به حرف ما قبلش و گاهی به ماقبل ماقبلش نگاه کرده آن را باریک یا پر می خوانند ، اما باید به خاطر داشت که زمانی حرف ماقبل ، یا ماقبل ماقبل « راء » مورد توجه قرار می گیرد که در حالت وقف « راء» را به طور کامل ساکن بخوانند ، چنانچه روش عمومی وقف است.

ولی، وقف روش دیگری نیز دارد و آن اینکه حرفی که وقف بر آن صورت می گیرد کلاً ساکن کرده نمی شود ، بلکه حرکت آن به صورت خیلی ضعیف اداء می گردد و این نوع وقف را « روم » می گویند و وقف « روم » فقط بر حرکت زیر و پیش اجرا می شود.

باب تفخیم و ترقیق یکی از کلید های مهم زبان عربی است که « پرخواندن و نازک خواندن » حرف را بیان مینماید و همچنان از حرکت یک حرف معلوم میشود که اگر حرکت « فَتْحَهْ ویا ضَمَّهْ» داشت آن حرف تفخیم « پر » و اگر « کسره » داشته آن حرف ترقیق « نازک » تلفظ میشود.

تفخیم: تفخیم از نظر لغوي بعمنی « بزرگ داشت » است و درعلم تَجْوید عبارت از « درشت و پر حجم » تلفظ کردن یک حرف میباشد ، البته به طوریکه دهان از صدای آن « پر » شود.

ترقیق: ترقیق از نظر لغوی بمعنی « رقیق بودن » بودن است و درعلم تجوید عبارت از « نازک» تلفظ کردن یک حرف میباشد.

شرایط تفخیم « راء » « فَتْحَهْ و یا ضَمَّهْ »

ـ اگر « راء » فَتْحَهْ و یا ضَمَّهْ داشته باشد ؛ در آن صورت حرف تفخیم « پر » خوانده میشود.

ـ اگر« راء » ساکن باشد ؛ ما قبل حرکت فَتْحَهْ و یا ضَمَّهْ داشته باشد ، در آن صورت حرف تفخیم « پر » خوانده میشود.

ـ اگر« راء » ساکن باشد؛ ما قبل هم ساکن باشد و ماقبل آن فَتْحَهْ و یا ضَمَّهْ داشته باشد ، در آن صورت حرف تفخیم « پر » خوانده میشود.

ـ « راء » ساکن باشد؛ ما قبل آن الف « مدی و واو مدی » قرار داشته باشد ، درآن صورت حرف تفخیم « پر » خوانده میشود.

ـ « راء » ساکن باشد ماقبل آن « همزه وصل » قرار داشته باشد ، در آن صورت حرف تفخیم « پر » خوانده میشود.

ـ اگر« راء » ساکن باشد ، ما بعد آن یکی از هفت حرف استعلا: « خ ـ ص ـ ض ـ غ ـ ط ـ ق ـ ظ » در یک کلمه بیاید ، در آن صورت حرف تفخیم « پر » خوانده میشود.

شرایط ترقیق « راء » « کَسْرَهْ »

۱ـ اگر « راء » کَسْرَهْ داشته باشد ؛ در آن صورت حرف ترقیق « نازک » خوانده میشود.
۲ـ اگر « راء » ساکن باشد ؛ ما قبل کَسْرَهْ داشته باشد ؛ در آن صورت حرف ترقیق « نازک » خوانده میشود .
۳ ـ اگر حرف « راء » ساکن باشد؛ ما قبل هم ساکن باشد و ماقبل آن کَسْرَهْ داشته باشد، در آن صورت حرف ترقیق « نازک » خوانده میشود.
۴ـ اگر حرف « راء » ساکن باشد ؛ ما قبل آن حرف « یاء » ساکن باشد، در آن صورت حرف ترقیق « نازک » خوانده میشود.
۵ـ اگر حرف « راء » ساکن باشد؛ ماقبل آن « یای مدی» قرار داشته باشد ، در آن صورت حرف ترقیق « نازک » خوانده میشود.

توضیح در رابطه به احکام حرف « راء »

در زبان عربی هشت حرف « خاء، صاد، ضاد، طاء، ظاء، غین ، قاف و راء » که روی آنها « الف » قرار گیرد ، دهن به طرف بالا باز شده پر خوانده میشود و در متباقی حروف ، دهن به سمت بغل باز شده و باریک تلفظ میشود . قابل تذکر است که : حرف « راء » بشکل پر « تفخیم » و باریک « ترقیق » ؛ به قواعد ذیل تلفظ میشود:

ـ تفخیم « پر حجم و یا درشت »: اگر بالای حرف « راء » چهار حرکت « فَتْحَهْ « زبر » ، ضَمَّهْ « پیش » ، الف و واو مدی » قرار گیرد ، در آن صورت حرف « راء » پر « تفخیم » تلفظ میشود . مثلاً : « رَزَقنا ، مسرُورا ».

ـ ترقیق « باریک یا رقیق »: اگر بالای حرف « راء » دو حرکت « کَسْرَهْ « زیر » و یا مدی » قرار گیرد ، در آن صورت حرف « راء » باریک « ترقیق » تلفظ میشود . مثلاً : « الرِجالُ ، فِرعون »

باید خاطر نشان ساخت که:
ـ در صورتیکه حرف « راء » ساکن باشد ، در آن صورت به حرف ماقبل باید مراجعه شود و به کمک حرکت آن ، حرف « راء » تلفظ شود.
ـ در صورتیکه حرف ماقبل « دوم » هم ساکن باشد در آن صورت به حرف ماقبل ، ماقبل « سوم » مراجعه شود و با استفاده از حرکت آن حرف « راء » تلفظ گردد.

بگونه مثال در کلمه « والعَصْرْ »: در این کلمه چون حرف « راء » ساکن است ، باید بخاطر تلفظ آن از حرف ماقبل « دوم » که حرف « صاد » است ، کمک گرفته شود . چون حرف « صاد » هم ساکن است ، پس ؛ به اساس قواعد اجازه است تا از حرکت حرف ماقبل از ماقبل « سوم » که حرف « عین » است و حرکت « فَتْحَهْ » دارد ، کمک گرفته شود ؛ که در این صورت به اساس حرکت فَتْحَهْ « زبر » ، حرف « راء » باید پر « تفخیم » تلفظ یا خوانده شود.

۱ـ کتاب « جمال القرآن » ، صفحه « ۵۷ » نوشته : محترم مولانا اشرف علی تهانوی « رح » .

فصل بیست و یکم

احکام ـ ل « لام »

محل خروج حرف « ل » کناره های قسمت جلوی زبان و لثه های ثنایای علیا میباشد ، که در وقت تلفظ حرف « لام » سر زبان به لثه دندان های نیش و پیشین بالا به آرامی برخورد می کند و راه عبور هوا را از این ناحیه مسدود می سازد.

ـ اگر قبل از لفظ جلاله ٱلله ، حرکت « فَتْحَهْ و ضَمَّهْ » بیاید ، دهان بطرف بالا باز شده و پرخوانده میشود ، و اگر حرکت « کَسْرَهْ » بیاید در آن صورت دهن به سمت چپ و راست باز شده و « نازک » خوانده میشود.

ـ هرگاه در ماقبل حرف لام « ل » در لفظ جلاله ٱلله ، حرکت فَتْحَهْ« زبر » و یا حرکت ضَمَّهْ « پیش » قرار داشته باشد ، در آن صورت لفظ جلاله « الله » ، درشت پر حجم یعنی « تفخیم » تلفظ و یا خوانده می شود . بگونه مثال:
ٱللهُ ، لَاإِلَهَ إِلَّا ٱللهُ , أُوْلَٰئِکَ , لَاظُلْمَ , قَالُوا وَلَاتُسْئَلُ , وَلَاٱلضَّالِّينَ , طِفْلا ، , إِنَّ ٱللهَ , يَعْلَمُ ٱللهُ , يَدُٱللهِ

ـ هرگاه در ماقبل حرف لام « ل » در کلمه جلاله « ٱلله » حرکت کَسْرَهْ « زیر» قرار داشته باشد، در آن صورت لفظ جلاله « الله » ، نازک یا « ترقیق » تلفظ می شود.
بِسْمِ ٱللهِ , ٱلْحَمْدُلِلهِ , بِٱللهِ , رَسولِ ٱللهِ

همچنان باید خاطرنشان ساخت که: قاعدهٔ حرف « لام » بدون کلمه جلاله « ٱلله» به دو شکل است:

۱ـ قاعدهٔ ادغام حرف ل « لام » در حروف شمسي:

هرگاه بعد از حرف « لام » یکی از حروف شمسي که عبارتاُ از : « ت ، ث ، د ، ذ ، ر ، ز ، س ، ش ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ل ، ن » میباشد ، واقع شود ، در آن صورت حرف « لام » در آن ادغام شده و خوانده نمیشود . مثلاُ « الشَّمْسِ ، مِنَ النَّاسِ ، الرحمن ».

۲ ـ قاعدهٔ اظهار حرف « لام » در حروف قمري:

هرگاه بعد از حرف « لام » یکی از حروف قمری که عبارتاُ از : « الف ، ب ، ج ، ح ، خ ، ع ، غ ، ف ، ق ، ک ، م ، و ، ه ، ی » میباشد ، واقع شود ، در آن صورت حرف « لام » در آن اظهار شده و تلفظ میشود. مثلاَ: « وَ الْقَمَرِ، وَ الْبَنُونَ ، فی الارض ، له الملک ، له الحمد ».

فصل بیست و دوم
معلومات عمومی و تعریفات

ـ استعلاء « مستعلیه»: در لغت به معنی بلند شدن است و در اصطالح تَجْوید، به وقت ادا کردن حروف ، از بیخ زبان به طرف کام بالا ، بلند شده و« پُر » خوانده میشوند.
حروف مستعلیه یا استعلاء « هفت » حرف است که در مجموعة « خُص ـ ضَغطٍ ـ قظ » جمع شده و عبارتاً از: « خ ـ ص ـ ض ـ غ ـ ط ـ ق ـ ظ » می باشند.

ـ استفال: ضد « استعلا » است و در لغت به معنی پایین آمدن و طلب پستی و در اصطلاح تَجْوید عبارت است از به پایین آمدن و دور شدن ریشه زبان از کام بالا میباشد.

ـ تفخیم: در اصطلاح علم تَجْوید درشت وغلیظ اداء کردن حرف را طوری که دهن از صدای آن پر شود ، « تفخیم » میگوید. البته حروف پر « خ ـ ص ـ ض ـ ط ـ ظ ـ ق ـ غ » میباشد.

ـ ترقیق: ترقیق در لغت « رقیق کردن و یا ازغلظت چیزی کاستن » را گویند که در اصطلاح علم تجوید ؛ نازک، رقیق و کم حجم تلفظ کردن حرف را « ترقیق » میگویند.

ـ تکریر: تکریر در اصطلاح علم تَجْوید « لرزه و برگشت مکرر سطح زبان » برای تکرار حرف « راء » را تکریر میگویند و یا زمانیکه زبان در وقت تلفظ کردن حرف « راء » ، لرزش پیدا میکند آن را صفت تکریر میگویند.

ـ ترسیل: یعنی خواندن حروف به طریقه هموار.

ـ تبیین: یعنی خواندن حروف صاف و درست.

ـ تحسین: یعنی بالحن عرب موافق خواندن.

ـ توقیر: یعنی با خشوع ، خضوع و وقار خواندن.

ـ ترعید: شور و تغیر دادن صدا در مد و حرکت ، مکروه است.

ـ ترقیص: بلند کردن صدا « آواز » اگر از حد تجوید بیرون باشد ، حرام است.

ـ تعجیل: تیزی و تعجیل کردن که حرف فهمیده نشود ، حرام است.

ـ تهمیز: اتصال همزه با هر حرف، حرام است.

ـ تنفیش: مکمل نه خواندن حرکات ، مکروه است.

ـ تعویق: وقف کردن در میان کلمه و پیش خواندن ، حرام است.

ـ تطنین: تلاوت و یا خواندن قرآن کریم به لهجه یا صورت اهنگ ، حرام است.

ـ **تطویل:** از حد اضافه طول دادن و دراز کردن حرکات و مدها ، مکروه است.

ـ **تمضیع:** جویدن حروف در دهن ، مکروه است.

ـ **حروف تهجی :** مجموع حروف الفبای زبان عربی را حروف تهجّي میگویند.

ـ **رکزه :** ادغام کردن بدون موقع ، حرام است.

ـ **رعایت حق :** فصیح خوانی یا روان خوانی قرآن است و یا حق حرف کیفیتی است که قِوام حرف به آن است و آن عبارت از مخرج حرف و صفاتی است که در نهاد حرف وجود دارد.

ـ **رخوت:** رخوت در لغت بمعنی « نرمی و سستی » را گویند و در اصلاح علم تجوید ، جریان یافتن صوت در مخرج حرف یا آدامه صوت و آواز را در هنگام تلفظ « رخوت » گویند.

ـ **شدت:** شدت بمعنی « سختی و قوت » است که در اصطلاح علم تجوید، قطع صوت در مخرج حرف یا حبس و قید کردن صوت و ادامه ندادن آن در هنگام تلفظ ، میباشد.

ـ **صفیر:** بمعنی سوت کشیدن است و در زبان عربی سه حرف هر کدام « ص ـ س ـ ز » ، زمانیکه تلفظ شود، صدای شبیه پرنده از دهن خارج میشود که به آن صدا « صفیر» میگویند.

ـ **غُنّه :** یعنی بردن آواز در بینی و یا صدایی خیشوم را غنّه میگویند ، که بعد از بستن لبها در قاعده ادغام یا اخفا ، از خیشوم « بینی » خارج میشود. ضمناً غنّه از جمله صفات است که در آن زبان را دخالت نیست.
دو حرف « م ـ ن » ، حروف غنّه است و مقدار غنّه به اندازه یک الف میباشد و همچنان اگر بعد از نون ساکن و تنوین یکی از حروف حلقی « ء ـ ه ـ ح ـ خ ـ ع ـ غ » بیاید، غنّه نمیشود.
ـ **وثبه:** قبل از تکمیل حروف قلبی؛ خواندن حروف بوری ، حرام است.

ـ **قصر:** قصر عبارت است از اداء حروف مدی به میزان طبیعی و معمولی . مانند: «أُوذِينَا».

ـ **لحن:** لحن یعنی غلط و یا اشتباه خواندن آیات قرآن مجید و یا تلفظ حروف بدون رعایت قوانین تجوید را « لحن » میگویند.
ـ **لحن جلی:** اشتباه واضح و آشکارا است که معنی آیه را تغییر داده و یا ساختار کلمه را مختل می سازد که ارتکاب آن حرام میباشد.
ـ **لحن خفی:** اشتباه پنهانی و خورد است که معنی کلمه را تغییر نمی دهد، لیکن حسن و زیبایی آن را از بین می برد.
ـ **مستحق حروف:** قواعد و احکام قرآن و یا به کیفیت صوتی و آوایی گفته می شود که در ترکیب حروف و پیوند آنها ایجاد می شود.
ـ **مد :** مد عبارت است از امتداد صوت در حروف مدی بیش از میزان طبیعی . مانند: « جَاءَ ».

ـ **همهمه:** مخفف را مشدد و مشدد را مخفف خواندن ، حرام است.

ـ **همس:** هنگام تلفظ این حروف آواز در مخرج با چنان ضعیفی قرار می گیرد که جاری داشتن نفس ممکن باشد و در آواز یک نوع پستی وجود داشته باشد.

منابع و مأخذ های عمده

ـ قرآن کریم: با ترجمهٔ دری ـ فارسی.

ـ کتاب جمال القران: تالیف مولانا اشرف علی تهانوی « رح » ، ترجمه دری: محترم مولوی عبدالرحمن « سربازی » ، سال نشر « ۱۳۷۸ هجري شمسي ».

ـ خلاصه تَجْوید: محترم محمد احسان « صیقل » سال ۱۳۸۵ هجری شمسی .

ـ تَجْوید اسان: داکتر ابد عاصم «عبدالعزیز» عبدالفتاح قاری. مترجم: محترم عبدالکریم « محمدی».

ـ آموزش تَجْوید قرآن: تهیه و ترتیب کننده: محترم سلیمان شاه « صوفی زاده ».

ـ تَجْوید صنف هفتم: « برای مدارس دینی افغانستان » ، مؤلف: محترم میر رفیع الله « منیب » سال چاپ: « 1398 هجري شمسي » ، وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان.

ـ کتاب تعلیم قرآن کریم : برای « صنف هشتم » مولف : محترم استاد فضل الله « نیازی » و محترم قاری سید محمد اغا « هاشمی » ، چاپ سال « ۱۳۹۶ هجري شمسي » وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان.

ـ کتاب « حق تلاوت »: نوشته استاد قاری نصرت الله « صاحبی » ، چاپ قوس سال « ۱۳۹۸ ».

ـ کتاب « آموزش تَجْوید قرآن »: مؤلف محترم استاد موسوی « بلده ».

ـ آموزش تَجْوید قرآن: گرد آوری و تنظیم ، محترم علی « لسانی » .

ـ کتاب« تَجْوید القران »: نوشته ذکرالله « شیرزی » راسب، سال چاپ « ۱۳۹۱» هجري شمسي.

ـ قاعده نورانی: رنگین تَجْوید ، انتشارات و مطبعه یوسف.

یادداشت من « مؤلف »: از دروس علمای بزرگوار و استادان معظم « تَجْوید قرآن کریم » هریک:

ـ دورس « برکت التجوید » محترم شیخ القرء استاد برکت الله « سلیم ».

ـ دروس « آموزش روخوانی قرآن کریم » محترم استاد فضل الحق « سلیمانی ».

ـ دروس « آموزش روخوانی قرآن کریم » محترم استاد محمد نواز « صیقل » .

ـ دروس « آموزش روخوانی قرآن کریم » محترم استاد عبدالرحمن « فاتح ».

ـ دروس « اموزش تَجْوید » محترم استاد قاری امان الله « احمدی » .

ـ دروس « آموزش تَجْوید قرآن کریم » محترم استاد قاری نصرت الله « صاحبی ».

ـ دروس « آموزش تَجْوید قرآن » محترم استاد موسوی « بلده ».

ـ صفحات انترنیت وبخش گوکل: بخاطر معنی، توضیح و تشریح کلمات و لغات؛ به زبان دری.

بیان مختصر در مورد مؤلف

برهان الدین « سعیدی » فرزند مولانا داکتر محمد سعید « سعید افغاني » در سال « ١٩٦٢م.» در شهر کابل ، در یک فامیل روحانی و فرهنگی چشم به جهان گشوده است.
برهان الدین « سعیدی» مدیر مسؤول ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغاني و عضوی شورای علمی مرکز مطالعات استراتیژیک افغان است.

برهان الدین « سعیدی» در رابطه به « کتاب الله ، احادیث، فقه، تَجْوید، تصوف و عرفان » تحقیق، پژوهش، تتبع و نگارش انجام داده که در این عرصه چندین « مضامین ، مقالات وتحقیقات » شان به شمول دو رساله تحت عنوان: صوفی کیست؟ و گنجینه ها « مناجات » به زیور چاپ رسیده اند.
تحقیق دیگر موصوف رساله بنام « تَجْوید قرآن الکریم » است که به زبان ساده وعام فهم تتبع و نگارش یافته است، که اینک در اختیار شما قرار دارد.
بدینوسیله از خدمات خیرخواهانه، علمی واسلامی، محترم برهان الدین « سعیدی » ستایش و تقدیر مینمایم و از بارگاه رب العزت، برایش صحت ، طول عمر توام با سعادت و خیر و برکت استدعا داریم.

شورای علمی مرکز مطالعات استراتیژیک افغان

Tajwíd Qura'n Karím
By: Burhanoddin Saidi